



توراه اور • پاراشاها וישב • مامار 2

והנה אנחנו מאלמים אלמים כו'

«و اینک، داشتیم دسته‌های غله را می‌بستیم»



پالایش جرقه‌های پراکنده شکستنِ ظرف‌ها در دو مرحله انجام می‌شود: کارِ برادران از پایین، که پاره‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد و آنها را در برابر **ה'** به خودنفی‌گری می‌رساند، و نورِ یوسف (**יוסף**) از بالا، که شمولِ آنها را در الوهیت کامل می‌کند.

تقديم به افتخارِ

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدرِ ربه، ربِ لیوی بییتسחק

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeishev/2

مقصود اصلی

پالایش جرقه‌های پراکنده شکستن ظرف‌ها در دو مرحله انجام می‌شود: کارِ برادران از پایین، که پاره‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد و آنها را در برابر **ה'** به خودنفی‌گری می‌رساند، و نورِ یوسف (**יוסף**) از بالا، که شمولِ آنها را در الوهیت کامل می‌کند.

در هر بخش: متن عبری، سپس ترجمه، و پس از آن توضیحی کوتاه زیر خطی طلایی. شماره‌های کوچک در متن عبری، یادداشتهای پایان متن هستند.

خلاصه مامار

این **מַעֲמָר** خوابِ یوسف دربارهٔ دسته‌های غله را بر پایهٔ قبلائی شکستن ظرف‌های جهانِ آشوب (**תוהו**, Tohu) می‌خواند. ظرف‌های **תוהו** شکستند و به پاره‌ها تقسیم شدند، و نور از آنها رفت؛ مانند حروفِ واژه‌ای که از هم جدا شده باشند. پاره‌های آنها به کثرتِ نفوس، فرشتگان و جرقه‌های الهی بدل شدند؛ هرچه پایین‌تر فرود آمدند، پراکندگی‌شان بیشتر شد. ۲۸۸ جرقهٔ عالمِ صدور (**אצילות**, Atzilus) در عالمِ عمل (**עשייה**, Asiyah) به پاره‌های بی‌شمار تقسیم شده‌اند؛ از همین رو تبعیدِ چنین طولانی است. وظیفهٔ قومِ یهود این است که آنها را در یگانگیِ **ה'** دوباره به هم پیوند دهد: «یک قوم در سرزمین». بستنِ دسته‌های غله به‌دست برادران، نخستین پالایش است: آنها جرقه‌های پراکنده را گرد می‌آورند و به‌صورتِ آب‌های مؤنث (**מַיִן נוקבין**, mayin nukvin) به فرمانروایی (**מלכות**, Malchus) عالمِ صدور بالا می‌برند؛ این کار با خودنفی‌گری (**ביטול**, bittul) ای چنان کامل انجام می‌شود که «خاموش» (**אילם**, illem؛ تداعی‌کنندهٔ **אלומים**, alumim [دسته‌های غله]) است، مانند جنینی در رحم. این هنوز فقط یگانگیِ فروتر (**יחודא תתאה**, yichuda tata'ah) است. پالایشی دوم، یعنی آب‌های مذکر (**מַיִן דוכרין**, mayin duchrin) از نامِ «مه» (**מה**, Mah) به واسطهٔ حکمت (**חכמה**, Chochmah)، باید از بالا بیاید؛ و آن یوسف است که ریشه‌اش در بنیاد (**יסוד**, Yesod) عالمِ صدور است. خم‌شدنِ دسته‌های غله، خودنفی‌گریِ برادران است که نور او را به پایین می‌کشد، درحالی‌که خم‌شدنِ یعقوب (**יעקב**) نوری فراگیر را برای یوسف فرود آورد. برادران از او نفرت داشتند، زیرا ریشهٔ خود را در صفاتِ عاطفی (**ז"א** / **זעיר אנופי**, Z'air Anpin) با مرتبهٔ واقعی خود در عالمِ آفرینش (**בריאה**, Beriah) اشتباه گرفته بودند.

طرح کلی

- 1** **شکستن، یعنی جداسدن**
پادشاهان **תוהו** فرو می‌افتند؛ شکستن یعنی پاره‌پاره‌شدن، مانند حروفی که از هم جدا شده باشند، و این امر کثرتِ آفرینش را پدید می‌آورد؛ هرچه پایین‌تر فرود آید، کثرتِ بیشتر می‌شود.
5-11
- 2** **رودی که تقسیم می‌شود**
رودِ عدن در عالمِ صدور یکپارچه می‌ماند و از عالمِ آفرینش به پایین تقسیم می‌شود؛ فرشتگان، نفوس و ۲۸۸ جرقه در هر مرتبه فزونی می‌یابند.
11-6
- 3** **چرا تبعید چنین طولانی است**
۲۸۸ جرقهٔ عالمِ صدور در پایین به پاره‌های بی‌شمار شکسته‌اند؛ ازاین‌رو پالایش آنها زمانی بسیار طولانی می‌برد.
12
- 4** **یکی‌کردنِ بسیاریان**
«همهٔ آنها را با حکمتِ آفریدی»: حکمتِ پاره‌ها را دوباره به هم می‌پیوندد، و اسرائیل حتی در پایین‌ترین جهانِ یگانگی پدید می‌آورد.
16-13

برادران جرقه‌ها را به صورت **מִיֵּין בִּקְבִין** به فرمانروایی عالم صدور بالا می‌برند؛ چنین خودنفی‌گری ای «خاموش» است، مانند جنینی در رحم.

מִיֵּין דֹכְרִין، یعنی نام **מִ"ה** به واسطه حکمت، باید پالایش را کامل کند؛ همان‌گونه که عشق و هیبت اعطاشده از سوی **ה'** عشق و هیبت انسان را کامل می‌کنند. این مرتبه یوسف است.

یوسف در پالایش نخست سهیم است، اما تنها او پالایش دوم را به انجام می‌رساند؛ خم شدن هم خودنفی‌گری است و هم فرودآوردن نور، و هر دو خواب را توضیح می‌دهد.

برادران گمان کردند ریشه‌شان در **ז"א** آنان را هم‌مرتبه یوسف می‌کند؛ اما جایگاه آنان در عالم آفرینش است و جایگاه او در **יסוד** عالم صدور.

مفاهیم کلیدی

شکستنی ظرف‌ها שבירת הכלים

شکستنی ظرف‌های **תורה** که در اینجا به معنای جداسدن آنها به پاره‌های بسیار فهمیده می‌شود؛ کثرت آفرینش از همین پاره‌ها پدید می‌آید.

۲۸۸ جرقه כפ"ח ניצוצין

جرقه‌های نور که همراه ظرف‌های شکسته فرود آمدند؛ شمارشان در عالم صدور ۲۸۸ است و در عوالم پایین به پاره‌های بی‌شمار تقسیم شدند.

پالایش دیرور

بیرون‌کشیدن جرقه‌های مقدس از عوالم پایین و بالا بردن دوباره آنها به سوی الوهیت؛ این کار در دو مرحله انجام می‌شود.

מִיֵּין בִּקְבִין (آب‌های مؤنث) מִיֵּין בִּקְבִין

برانگیختگی و صعود از پایین؛ در اینجا جرقه‌های پالایش‌شده‌ای که با خودنفی‌گری به فرمانروایی عالم صدور بالا برده می‌شوند.

מִיֵּין דֹכְרִין (آب‌های مذکر) מִיֵּין דֹכְרִין

جریانی از بالا که در پاسخ به صعود می‌آید: نور نام **מ"ה** به واسطه حکمت؛ در اینجا مرتبه یوسف.

دوران جنینی עיבור

حالتی از جذب‌شدن کامل در سرچشمه خویش، بدون وجود مستقل یا توان بخشیدن، مانند جنین؛ حالتی که جرقه‌های صعودکننده دارند.

یگانگی فروتر و برتر יחודא תתאה ויחודא עילאה

یگانگی فروتر، خودنفی‌گری مخلوق است؛ یگانگی برتر، یگانگی حقیقی با **ה'** است که یگانگی فروتر باید در آن جذب شود.

شکستن، یعنی جدا شدن

1 **وהנה אנחנו מאלמים אלמים**^{1,2} **כו'.** **כתיב אלה המלכים אשר מלכו**³ **כו' שהן ז' מלכין קדמאין דתהו שנפלו בשבה"כ** [בשבירת הכלים]⁴ **למטה לשם ב"ן** [שם ב"ן] **דאצי' מקור דבי"ע ומשם ירדו בבי"ע וזהו ענין מיתת המלכים כידוע.**⁵

«و اینک، ما دسته‌ها را می‌بستیم...» و جز آن. نوشته شده است: «اینها پادشاهانی‌اند که فرمانروایی کردند...» و جز آن؛ مقصود، هفت پادشاه ازلی جهانِ آشوبِ آغازین (תהו, Tohu) است که در شکستنِ ظرف‌ها فرو افتادند تا به نامِ ب"ן (שם ב"ן, Ban) در عالمِ صدور (אצילות, Atzilus)، سرچشمهٔ عالمِ آفرینش (בריאה, Beriah)، عالمِ صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah) و عالمِ عمل (עשיה, Asiyah)؛ و از آنجا به عالمِ آفرینش، عالمِ صورت‌بخشی و عالمِ عمل فرود آمدند. این همان موضوعِ «مرگ پادشاهان» است، چنان‌که معروف است.

مَقَالَةُ حَسِيدِي (مَامَر, maamar) با نخستین رؤیای یوسف (יוסף) آغاز می‌شود؛ در آن، او و برادرانش در مزرعه دسته‌های غله می‌بندند. سپس بی‌درنگ به فهرست پادشاهانِ ادوم می‌پردازد که «فرمانروایی کردند و مردند»؛ قبلاً این پادشاهان را هفت پادشاهِ جهانِ Tohu می‌داند، جهانِ ازلی‌ای که ظرف‌هایش نتوانستند نور خود را در خود جای دهند و شکستند. سقوط آنان به نامِ ب"ן – جنبهٔ مؤنث و پذیرنده که با فرمانروایی (ملכות, Malchus) یکی دانسته می‌شود – در عالمِ صدور بود؛ سرچشمه‌ای که سه عالمِ فرودینِ عالمِ آفرینش، عالمِ صورت‌بخشی و عالمِ عمل از آن می‌گیرند. از آنجا نیز به این عوالم فرود آمدند؛ این فرود همان چیزی است که قبلاً «مرگ پادشاهان» می‌نامد.

2 **והנה בשבה"כ** [بשבירת הכלים] **נפלו כמה בחי' דהיינו הן בחי' נשמות והן בחי' מלאכים והן בחי' כחות אלקיים עצמם כולם נשברו ونפלו למטה בבי"ע והכחות אלקיים נפילתן היינו שירדו להחיות בי"ע כו'.**

اکنون، در شکستنِ ظرف‌ها، چندین مرتبه فروافتاد: یعنی مرتبهٔ ارواح، مرتبهٔ فرشتگان و خودِ قوای الهی. همهٔ آن‌ها شکستند و به عالمِ آفرینش (בריאה, Beriah)، عالمِ صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah) و عالمِ عمل (עשיה, Asiyah) فرود آمدند؛ و فروافتادنِ قوای الهی بدین معناست که آن‌ها فرود آمدند تا به عوالمِ آفرینش، صورت‌بخشی و عمل حیات ببخشند، و مانند آن.

در شکستگی، سه نوع چیز فروافتاد: ریشه‌های ارواح، ریشه‌های فرشتگان و خودِ قوای الهی. دربارهٔ قوای الهی، «فروافتادن» به این معنا نیست که آن‌ها ناپاک شدند؛ بلکه یعنی فرود آمدند تا نیروی حیاتِ عوالمِ فرودین باشند.

ופי' וענין השבירה של הכלים ושל הנצוצות כו'. הוא ענין התפרדותן לחלקים רבים כמו עד"מ תיבת ברוך כשאותיותי' [כשאותיותיה] מצורפות בתיבה זו מתלבש בהן השכלה שהוא ענין הברכה⁶

توضیح و معنای شکستنِ ظرفها و جرقه‌ها و مانند آن، این است که آن‌ها به اجزای بسیار از هم جدا شدند. به عنوان نمونه: واژه «برוך» («مبارک»); هنگامی که حروفش در این واژه به هم پیوسته‌اند، ادراکی در آن‌ها جای می‌گیرد، یعنی مفهوم برکت؛

اکنون آدمی⁷ را از کون تعریف می‌کند که «شکستن» چیست: نه نابودی، بلکه جدا شدن به اجزای بسیار. نمونه‌اش واژه عبری «برוך» («مبارک») است؛ تا وقتی حروفش کنار هم قرار دارند، مفهوم برکت را در خود دارند.

אבל כשיתפרדו הד' אותיות אלו זמ"ז [זה מזה] להיות הבי"ת בפ"ע [בפני עצמו] וכן הרי"ש וכו' אזי לא ימצא בהן התלבשות השכלה זאת כלל.⁷

اما هنگامی که این چهار حرف از یکدیگر جدا شوند، به گونه‌ای که حرف ב به تنهایی بماند، و همین‌طور حرف פ و مانند آن، آن‌گاه این ادراک پوشیده شده به هیچ وجه در آن‌ها یافت نخواهد شد.

وقتی این چهار حرف از هم جدا شوند، هر حرف به تنهایی دیگر اصلاً حاملِ آن ادراک نیست. به همین ترتیب، وقتی ظرفها از هم فروپاشیدند، نوری که در خود داشتند دیگر نمی‌توانست در آن‌ها جای گیرد.

3 ועד"ז הוא שבה"כ [שבירת הכלים] דתהו שנתפרדו הכלים לחלקים רבים מפורדים זמ"ז [זה מזה] עד שנסתלק מהם האור שהי' [שהיה] מתלבש בתוכן קודם פירוד זה.

به همین ترتیب، شکستنِ ظرف‌های عالم آشوب (תהו, Tohu) چنین است: ظرف‌ها به قطعاتی بسیار تقسیم شدند که از یکدیگر جدا بودند، تا آن‌جا که نوری که پیش از این جدایی در آنها پوشیده بود، از آنها کناره گرفت.

این تشبیه در این‌جا بر این مورد منطبق می‌شود: ظرف‌های תהו به قطعاتی بسیار و جدا از یکدیگر شکستند و چون دیگر کلی واحد نبودند، نوری که آنها را پر کرده بود از آنها کناره گرفت.

ומצד זה ירדו במדרגה בבחי' בי"ע ונתהוו מזה עולמות הנפרדים ברואים רבים מינים מינים שונים כמ"ש היש מספר⁸ כו'.

از این‌رو، در مرتبه فرود آمدند و به عالم آفرینش (בריאה, Beriah)، عالم صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah) و عالم عمل (عשיה, Asiyah) رسیدند؛ و از این، عوالم جدایی پدید آمدند: آفریدگانی بسیار، گونه‌هایی از گونه‌های گوناگون، چنان‌که نوشته شده است: «آیا برای [سپاهیانِ او] شماری هست؟» و جز این.

پس از آن‌که نورشان را از دست دادند، پاره‌ها به مرتبهٔ بריאה، یצירה و عשיה فروافتادند و از آنها «عوالم جدایی» پدید آمدند: انبوهی عظیم از آفریدگانی متمایز و گونه‌های گوناگون. آیهٔ «آیا برای [سپاهیانِ او] شماری هست؟» بیانگر این انبوهی بی‌شمار است.

4 והנה עצמות המאציל ב"ה הוא יחיד ומיוחד בתכלית היחוד כנודע

و اینک، ذات فیض بخش، که متبارک است، چنان که معروف است، در نهایت یگانگی یگانه و یکتاست.

ذات خود ה'، که در اینجا «فیض بخش» نامیده شده است، مطلقاً یگانه است و از هرگونه نشانی از کثرت فراتر است.

ולזאת כדי שיתהוו בחי' הנבראים שהם בבחי' רבוי גדול ובבחי' פירוד שהם בחי' יש ודבר בפ"ע [בפני

עצמו] שזהו ממש המנגד אל אמתות אחדותו ב"ה שאין עוד מלבדו.⁹ הוצרך להיות ע"י שבה"כ [שבירת

הכלים]

ازاین رو، برای آن که آفریدگان پدید آیند - آفریدگانی که در مرتبه کثرت بسیار و جدایی قرار دارند، یعنی در مرتبه «چیزی» و موجودی به خودی خود، که درست در برابر حقیقت یگانگی او، که متبارک است، قرار دارد؛ یگانگی ای که بیانگر این است که «هیچ چیز جز او نیست» - لازم بود این امر از راه شکستن ظرفها روی دهد:

آفریدگان بسیارند و هر یک خود را «چیزی» جداگانه و به خودی خود می پندارد؛ درست در برابر حقیقت یگانگی ה' که در آیه «هیچ چیز جز او نیست» بیان شده است. برای آن که چنین موجوداتی پدید آیند، شکستن ظرفها ضرورت داشت.

שמחמת שנתפרדו לחלקים קטנים רבים מאד ע"י נעשה בחי' הרבוי של הנבראים וגם ע"י פירוד זה נעשה כל נברא מהות בפ"ע [בפני עצמו] שכל מלאך מובدل מחבירו כו'.

زیرا چون به بخش های کوچک بی شماری از هم جدا شدند، از این راه کثرت آفریدگان پدید آمد؛ و نیز از رهگذر این جدایی، هر آفریده ای موجودی مستقل شد، به طوری که هر فرشته از فرشته دیگر متمایز است و مانند آن.

از آن جا که ظرفها به بخش های کوچک بی شماری شکستند، آفرینش کثرت یافت؛ و چون این بخشها از هم جدا شدند، هر آفریده موجودی متمایز و مستقل شد، به طوری که حتی هر فرشته نیز از همه فرشتگان دیگر متمایز است.

5 והנה כאשר ירדו הכלים והנצוצות מאת פניו ית' לפי גודל הירידה כך נעשה בהם הפירוד והרבוי.

اکنون، هنگامی که ظرفها و جرقه ها از پیشگاه او که متبارک است فرود آمدند، جدایی و کثرتی که در آنها پدید آمد، متناسب با میزان فرودآمدنشان بود.

میزان جدایی به این بستگی دارد که پاره ها تا چه اندازه به پایین سقوط کرده اند: هرچه از ה' دورتر باشند، گسسته تر و پر شمارتر می شوند.

וכל שעדיין לא ירדו כ"כ [כל כך] אזי לא הי' [היה] הפירוד כ"כ [כל כך] כי כל הקרוב קרוב יותר אליו ית' יש בו יותר הבטול והאחדות

هر آنچه هنوز تا آن اندازه فروود نیامده بود، به همان اندازه دچار جدایی نبود؛ زیرا هرچه به او که متبارک است نزدیکتر باشد، خودنهی گری (بیטول، bittul) و یگانگی بیشتری در آن است؛

پاره‌هایی که چندان فرو نیفتاده‌اند، کمتر از هم گسسته‌اند، زیرا نزدیکی به ה' خودنهی گری و یگانگی بیشتری به همراه دارد.

וכל שנترחקו יותר אזי נעשה בהן יותר הפירוד והרבוי ونמצא כשנפלו למטה בעשייה נעשה הפירוד והרבוי ביותר.

و هرچه بیشتر دور شدند، جدایی و کثرت بیشتری در آنها پدید آمد. پس معلوم می‌شود هنگامی که به پایین، در عالم عمل (عשייה، Asiyah) افتادند، جدایی و کثرت از همه بیشتر شد.

هرچه چیزی از ה' دورتر باشد، بیشتر دچار جدایی و کثرت می‌شود. بنابراین در عالم عمل، پایین‌ترین عالم، گسستگی و کثرت به بیشترین حد خود می‌رسد.

بخش 2 • 611-11

رودی که تقسیم می‌شود

6 וז"ש [וזהו שכתוב] ונהר יוצא מעדן¹⁰ להשקות את הגן ומשם יפרד כו'

این همان است که نوشته شده است: «و نهري از عدن بیرون می‌آید تا باغ را سیراب کند، و از آنجا منشعب می‌شود» و الی آخر. آیه مربوط به نهري که از عدن بیرون می‌آید تا باغ را سیراب کند، و درباره‌اش آمده است «و از آنجا منشعب می‌شود»، این قاعده را روشن می‌سازد.

שהנהר הנמשך מעדן שהוא חכ' [חכמה] דאצילות בהיותה נמשכת והולכת דרך כל עולם האצ' עד הגן הוא בחי' מל' דאצילות הוא הכל נהר אחד עדיין מושלל מגדר ההתחלקות בתכלית. [בתכלית].

نهري که از عدن جاری می‌شود – و عدن همان حکمت (חכמה، Chochmah) عالم صدور (אצילות، Atzilus) است – هنگامی که امتداد می‌یابد و سراسر عالم اצילות را می‌پیماید تا به باغ برسد، و باغ مرتبه فرمانروایی (מלכות، Malchus) عالم اצילות است، همچنان یک نهر واحد است و هنوز به کلی بیرون از مقوله تقسیم قرار دارد.

نهري که از عدن جاری است، حکمت اצילות، یعنی حکمت الهی‌ای است که سرچشمه این جریان است. تا هنگامی که در اצילות به سوی پایین و تا «باغ» – یعنی מלכות اצילות – جریان دارد، همچنان نهري واحد و تقسیم نشده است.

כי באצ'י איהו וגרמוהי חד שהן בבחי' ביטול אמיתי למאצילן ומיוחדין עמו בתכלית היחוד שהוא הפוך הפירוד והרבוי כו'.

زیرا در اّصילות، «او و ظرف‌هایش یکی‌اند» (ایهو וגرموهی، ihu vegarmohi): آن‌ها در حالتِ خودنفی‌گری (بیטول، bittul) حقیقی در برابرِ مبدأِ صدورشان‌اند و در نهایتِ یگانگی با او متحدند؛ یگانگی‌ای که نقطهٔ مقابلِ جدایی و کثرت است، و مانند این.

علت این است که در اّصילות، مراتبِ تجلی (سפירות، Sefiros) با او یکی‌اند؛ چنان‌که تعبیرِ زوهار (זהר) می‌گوید: «او و ظرف‌هایش یکی‌اند». آن‌ها کاملاً در حالتِ بیטول در برابرِ او هستند و با او متحدند؛ درست در نقطهٔ مقابلِ جدایی.

7 וכיון שמגיע הנהר בראש הבריאה אזי כתיב ומשמם יפרד והיה לד' ראשים. ואף שלא נתוסף בו מים עכ"ז [עם כל זה] נתפרד והיו לד' חלקים.

و چون رود به رأسِ عالمِ آفرینش (برיאה، Beriah) می‌رسد، آن‌گاه نوشته شده است: «و از آنجا منشعب می‌شود و به چهار سر بدل می‌گردد». هرچند آبی به آن افزوده نشد، با این‌همه منشعب شد و به چهار بخش بدل گشت.

وقتی رود به بالای بریאה، نخستین عالمِ وجودِ جداگانه، می‌رسد، آیه می‌گوید: «از آنجا منشعب می‌شود و به چهار سر بدل می‌گردد». چیزی به آن افزوده نشد، اما با این‌حال چهار شاخه شد؛ این انشعاب از عالمِ پایین‌تر پدید می‌آید، نه از خودِ رود.

והן ד' מחנות שכינה פני ארי' [אריה] אל הימין פני שור¹¹ כו'. אך הם חלקים כוללים עדיין שכל חלק מהם כולל כמה פרטים רבים.

اینها چهار اردوگاهِ حضورِ الهی (שכינה، Shechinah) هستند: «چهرهٔ شیری در سمت راست، چهرهٔ گاوی...» و غیره. اما اینها هنوز بخش‌هایی کلی‌اند که هر یک از آنها جزئیاتِ بسیار را دربرمی‌گیرد.

چهار سر، چهار اردوگاهِ سכינה هستند؛ یعنی چهار چهرهٔ ارباعهٔ حزقیال: شیر، گاو، عقاب و انسان. اما اینها هنوز تقسیم‌بندی‌هایی گسترده‌اند که هر یک جزئیاتِ بسیاری را دربرمی‌گیرد.

8 ובירידת המדרגה עוד נתחלק מבחי' מיכאל שהוא בחי' פני אריה לקפ"ו אלף בחינות מחולקות שהן מחנה מיכאל.

و با نزولِ بیشترِ مرتبه، مرتبهٔ میکائیل (מיכאל)، که جنبهٔ رویِ شیر است، به ۱۸۶۰۰۰ جنبهٔ جداگانه تقسیم شد؛ اینها لشکرِ میکائیل‌اند.

با نزولِ جریان به مراتبِ پایین‌تر، هر لشکرِ کلی بارِ دیگر تقسیم می‌شود: میکائیل، رویِ شیر، به ۱۸۶۰۰۰ جنبهٔ جداگانه، یعنی فرشتگانِ لشکرِ او، تبدیل می‌شود.

וכן מבחי' גבריאל שהוא בחי' פני שור נתחלק לחלקים רבים שהם כל פרטי המלאכים דמחנה גבריאל כו' וכ"ז [וכל זה] הוא עדיין בעולם הבריאה וביצירה מתחלק עוד לפרטים יותר שהן הרוחות דיצירה.

همچنین مرتبة جبرائیل (گبريאל)، که جنبه روي گاو است، به بخش‌های بسیاری تقسیم شد؛ این بخش‌ها همه فرشتگان جزئي لشکر جبرائیل‌اند و الی آخر. همه اینها هنوز در عالم آفرینش (بريאה، Beriah) است؛ در عالم صورت‌بخشی (יצירה، Yetzirah)، تقسیم‌بندی باز هم به جزئیات بیشتری می‌رسد، یعنی به ارواح (הרוחות، ruchoth) یצירה.

جبرائیل، روي گاو، نیز به همه فرشتگان جزئي لشکر خود تقسیم می‌شود. این هنوز در بريאה است؛ در یצירה تقسیم‌بندی باز هم دقیق‌تر می‌شود و به הרוחות آن می‌رسد.

ובעשיה מתחלק עוד לחלקים רבים ביותר שהם הנפשות דעשיה והכל הוא מבחי' שבה"כ [שבירת הכלים] שמתפררים בפירור אחר פירור ורבו אחר רבוי כנ"ל.

و در عالم عمل (עשיה، Asiyah)، این تقسیم‌بندی باز هم به بیشترین شمار بخش‌ها می‌رسد؛ اینها جان‌های (הנפשות، nefashos) عשיה هستند. همه اینها از شکستن ظرف‌ها سرچشمه می‌گیرد؛ ظرف‌ها پاره‌پاره می‌شوند، پاره‌ای پس از پاره دیگر، و کثرتی پس از کثرت دیگر، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.

در عשיה، تقسیم‌بندی از همه دقیق‌تر است و به הנפשות آن می‌رسد. همه اینها ادامه اثر شکستن است: پاره‌ای پس از پاره دیگر، و کثرتی پس از کثرت دیگر.

אך המלאכים הם אשר כבר נתקנו בבחי' עולם התקון וזהו הנק' ואשר משרתיו כולם עומדים כו'. ובחי' יוצר משרתי' [משרתים] הם המתבררי' בכ"י [בכל יום] כו':

اما فرشتگان همان‌هایی هستند که پیش‌تر در مرتبة عالم اصلاح (عולם התקון، Olam HaTikkun) اصلاح شده‌اند؛ این همان چیزی است که «و خادمان او همگی ایستاده‌اند» و مانند آن نامیده می‌شود. و مرتبة «آن‌که خادمان را پدید می‌آورد» همان‌هایی هستند که هر روز پالوده می‌شوند و مانند آن.

با این‌حال، خود فرشتگان پیش‌تر اصلاح شده‌اند و بخشی از عالم اصلاح‌اند؛ اینها فرشتگان دعای صبح‌اند که «همگی در بلندی‌ها ایستاده‌اند». فرشتگان «آن‌که خادمان را پدید می‌آورد» کسانی هستند که هنوز هر روز پالوده می‌شوند.

9 והנה כמו שהוא במלאכים כך עד"ז נמצא בנשמות שע"י רבוי ירידת המדרגות בהשתלשלות העולמות מתפררים לחלקים קטנים מאד ברבוי אחר רבוי כו'

اکنون، همان‌گونه که در مورد فرشتگان چنین است، درباره نفوس نیز همین‌طور است: آن‌ها بر اثر گذر از مراتب بسیار نزول در زنجیره نزول عوالم (השתלשלות، hishtalshelus)، به اجزایی بسیار خرد تقسیم می‌شوند؛ تکثری بر تکثر، و الی آخر.

درباره نفوس نیز همان قاعده‌ای برقرار است که درباره فرشتگان: با نزول در زنجیره عوالم، به بخش‌هایی پیوسته کوچک‌تر تقسیم می‌شوند.

כי ד' דגלי מדבר הם מספר שרשי הנשמות בעולם הבריאה ונשמת יהודה כוללת כל הנשמות שבמחנה יהודה

זیرا چهار پرچم بیابان، شمار ریشه‌های نفوس در عالم آفرینش (بریاة، Beriah) هستند؛ و نفیس یهودا (یهודה) همه نفوس اردوگاه یهودا را دربرمی‌گیرد،

چهار پرچم اردوگاه بنی‌اسرائیل در بیابان، با چهار دسته ریشه‌ای نفوس در بریאה متناظرند. نفیس یهودا همه نفوس اردوگاه او را دربرمی‌گیرد.

ואח"כ נתחלק להרבה נשמות פרטיים שבדגל מחנה יהודה וכן בשאר הדגלים והשבטים עד שנעשו ס"ר בעולם הבריאה [הבריאה].

و پس از آن، به نفوس فردی بسیاری در پرچم اردوگاه یهودا تقسیم شد؛ و به همین‌سان در پرچم‌های دیگر و قبایل دیگر، تا آن‌که در بریאה به ششصد هزار رسیدند.

از آنجا به نفوس فردی پرچم یهودا تقسیم می‌شود، و همین‌طور در مورد پرچم‌ها و قبایل دیگر، تا آن‌که در بریאה شمارشان به ۶۰۰٬۰۰۰ می‌رسد.

כי התורה מדברת הכל בעולם הבריאה אבל ביצירה נתרבו החלקים יותר במספר גדול הם בבחי' הרוח דיצירה.

زیرا تورات سراسر از عالم بریאה سخن می‌گوید؛ اما در عالم صورت‌بخشی (יצירה، Yetzirah)، اجزا بیش از این تکثیر شدند و شمارشان بسیار شد؛ آن‌ها در مرتبه روح (Ruach) عالم یצירה هستند.

شرح تورات، با اردوگاه‌ها و قبایلی که شمارشان مشخص شده، نفوس را در وضعیتشان در بریאה توصیف می‌کند. در یצירה آن‌ها باز هم تکثیر می‌شوند و به مرتبه روح نفوس می‌رسند.

10 ובעשי' [ובעשיה] המספר של הנפשות דעשייה הוא גדול יותר מכולן. אך הס"ר נשמות הם שכבר נתקנו ונתבררו¹² משבה"כ [משבירת הכלים] ונכללו בעולם התקון.

و در عالم عمل (عשיه، Asiyah)، شمار نفوس (נפשות، nefashos) در عالم عمل از همه بیشتر است. اما آن ششصد هزار نفس، کسانی هستند که از شکستن ظرف‌ها اصلاح و پالایش شده و در عالم اصلاح (תיקון، Tikun) گنجانده شده‌اند.

در عالم عمل، شمار نفوس مرتبه نفس از همه بیشتر است. اما ششصد هزار نفیس ریشه‌ای، از شکستن اصلاح و پالایش شده‌اند و به عالم اصلاح تعلق دارند.

וכמו שנמצא ענין השבירה שהוא בחי' הרבוי והפירוד בנשמות ומלאכי' כנ"ל כך ימצא בכחות האלקיים ממש שנתחלקו לחלקים רבים מאד ונתפזרו לבי"ע כו'

و همان گونه که شکستن، که جنبه‌ای از کثرت و جدایی است، در نفوس و فرشتگان یافت می‌شود، چنان که پیش‌تر توضیح داده شد، در خود نیروهای الهی نیز یافت می‌شود: آن‌ها به اجزای بسیار فراوان تقسیم شدند و در عالم آفرینش (בריאה, Beriah)، عالم صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah) و عالم عمل (عشیه) پراکنده گشتند و مانند این‌ها.

همان گسستگی‌ای که در نفوس و فرشتگان دیده می‌شود، درباره‌ی خود نیروهای الهی نیز صدق می‌کند: آن‌ها هم به اجزای بی‌شمار تقسیم شدند و در عوالم آفرینش، صورت‌بخشی و عمل پراکنده گشتند.

וכל מה שירדו יותר בירידת המדרגה נתרבה יותר הפירוד דהיינו שכל חלק וכל נצוץ נתחלק עוד לנצוצות וחלקים רבים ע"ד הנ"ל במלאכי' ונשמות

و هرچه آن‌ها بیشتر در مراتب فرود آمدند، جدایی بیشتر شد؛ یعنی هر جزء و هر جرقه باز هم به جرقه‌ها و اجزای بسیاری تقسیم شد، به همان شیوه‌ای که پیش‌تر درباره‌ی فرشتگان و نفوس توضیح داده شد.

و هرچه بیشتر فرود آمدند، هر جزء و هر جرقه به جرقه‌های دیگری تقسیم شد، درست همان گونه که درباره‌ی فرشتگان و نفوس رخ داد.

כי הנה ידוע ע"פ רוח אלקים מרחפת^{13,14} רפ"ח מת^{15,16} דהיינו רפ"ח נצוצין שנפלו מעולם התהו עם הכלים שנשברו.

زیرا چنان که معلوم است، بر پایه‌ی آیه «و روح اלקים (אלקים, Elokim) در حال شناوری بود» (مרחפת, merachefes)، واژه «مרחפת» [از حروف «رפ"ח מת» ساخته می‌شود]؛ یعنی ۲۸۸ جرقه‌ای که از عالم آشوب (תהו, Tohu)، همراه با ظرف‌هایی که شکسته شدند، فرو افتادند.

این بیان بر خوانش آریزال (הاریז"ל) از عبارت «روح اלקים در حال شناوری بود» استوار است: حروف «مרחפת» عبارت «۲۸۸ مُردند» را می‌سازند؛ یعنی ۲۸۸ جرقه‌ای که همراه با ظرف‌های شکسته از عالم آشوب فرو افتادند.

11 ומספר רפ"ח הוא בחי' הפירוד של הנצוצין שנפלו כמו שהיו עדיין באצילות¹⁷ שזהו ראשית ירידתו שאז נתפרדו למספר רפ"ח וזהו רפ"ח מת¹⁸ כו'.¹⁹

عدد ۲۸۸ بیانگر جدایی جرقه‌هایی است که سقوط کردند، در حالی که هنوز در عالم صدور (אצילות, Atzilus) بودند؛ این همان آغاز نزولشان است، زمانی که به عدد ۲۸۸ تقسیم شدند؛ و این است «۲۸۸ مردند»، و جز این‌ها.

عدد ۲۸۸ جرقه‌ها را در نخستین مرحله سقوطشان توصیف می‌کند، هنگامی که هنوز در اצילות بودند؛ آن تقسیم نخستین به ۲۸۸ همان چیزی است که عبارت «۲۸۸ مردند» به آن اشاره دارد.

אבל אח"כ כשנפלו מאצי' לעולם הבריאה אזי כל נצוץ מרפ"ח נצוצים הנ"ל שבאצי' נתחלק שם בבריאה לחלקים רבים מאד

اما پس از آن، هنگامی که از **אצילות** به عالم آفرینش (**בריאה**, Beriah) سقوط کردند، هر جرقه از آن ۲۸۸ جرقه یادشده در **אצילות**، در آنجا، در **בריאה**، به بخش‌های بسیار زیادی تقسیم شد.

هنگامی که از **אצילות** به **בריאה** سقوط کردند، هر یک از آن ۲۸۸ جرقه در آنجا به بخش‌های بسیار زیادی تقسیم شد.

וכשנפלו מבריאה ליצירה אזי נתחלקו עוד לחלקים ונצוצים קטנים וכן מיצי' [מיצירה] לעשיה נתחלקו ונתפרדו עוד ביותר לאלפים ורבבות.²⁰

و هنگامی که از **בריאה** به عالم صورت‌بخشی (**יצירה**, Yetzirah) سقوط کردند، باز هم به بخش‌ها و جرقه‌های کوچک تقسیم شدند؛ و به همین ترتیب، از **יצירה** به عالم عمل (**עשיה**, Asiyah) سقوط کردند و بیش از پیش تقسیم و پراکنده شدند، به هزاران و ده‌ها هزار.

هنگامی که از **برיאاه** به **יצירה** سقوط کردند، بار دیگر تقسیم شدند و از **יצירה** به **עשיה**، باز هم بیشتر تقسیم شدند؛ تا جرقه‌های کوچکی به هزاران و ده‌ها هزار.

بخش 3 • 1211

چرا تبعید چنین طولانی است

12 ובזה יובן מה שנמשך הגלות כ"כ [כל כך] הרבה יותר מן י"ז מאות שנה וידוע שהכוונה הכל לברר הרפ"ח ניצוצים וכשיוגמרו הברורי' [הברורים] יבא משיח בב"א [במהרה בימינו אמן].

از این‌جا می‌توان فهمید که چرا دوران تبعید این‌قدر طولانی شده است؛ بسیار بیش از هزار و هفتصد سال. معلوم است که مقصود همه این جریان، پلایش ۲۸۸ شراره است؛ و چون پلایش‌ها به پایان برسند، **مשיח** (Moshiach) به‌زودی، در روزگار ما، خواهد آمد.

آموزه مربوط به ۲۸۸ شراره و تکه‌تکه‌شدن آن‌ها به پرسشی واقعی پاسخ می‌دهد: چرا دوران تبعید این‌همه طول کشیده است، با آن‌که هنگام بیان این مطلب بیش از ۱۷۰۰ سال از آن گذشته بود؟ تمام مقصود دوران تبعید، پلایش ۲۸۸ شراره است؛ و چون این کار انجام شود، **مשיח** خواهد آمد.

וא"כ הוא תמוה וכי אפשר שלא נתברר עדיין רפ"ח נצוצים במשך רב כזה אשר דור הולך ודור בא²¹
וכל א' מישראל מברר חלקו שצריך לברר

پس این پرسشی شگفت است: آیا ممکن است در چنین مدت درازی، ۲۸۸ شراره هنوز پالایش نشده باشند، درحالی که «نسلی می‌رود و نسلی می‌آید» و هر یک از یهودیان بخشی را که باید پالایش کند، پالایش می‌کند؟

پرسش دقیق‌تر می‌شود: ۲۸۸ شمار اندکی است، و در طول نسل‌های بسیار، هر یهودی پیوسته شراره‌هایی را که به سهم او مربوط است پالایش کرده است.

ומה גם שמספרן של ישראל שצריכי' לברר הרפ"ח הם ס"ר כיוצאי מצרים והרי עתה ב"ה ישראל
רבים יותר ממספר זה²² יוסף ה' עליהם כו'

به‌ویژه آن‌که شمار یهودیانی که باید ۲۸۸ شراره را پالایش کنند، ششصد هزار نفر است؛ همانند شمار کسانی که از مصر بیرون آمدند. اکنون نیز، به لطف ה'، شمار یهودیان از این تعداد بیشتر است: «باشد که ה' بر شمارشان بیفزاید»، و غیره؛

پالایشگران بسیاریند: ۶۰۰'۰۰۰ نفس، همان شمار کسانی که از مصر بیرون آمدند؛ و در روزگار **אדמו"ר הזקן** نیز قوم یهود از آن شمار فراتر رفته بود.

וכ"ש [וכל שכן] בזמן הקדמוני' שהי' [שהיה] נמצא כפרים שהיו בהם יותר מס"ר כמ"ש בגמ' [בגמרא] כפר
שחליים²³ כו'.

به طریق اولی در روزگاران کهن، که روستاهایی وجود داشتند که بیش از ششصد هزار تن در آن‌ها بودند، چنان‌که گمارا (گمرا) دربارهٔ روستای **שְׁחָלַיִם** و مانند آن می‌گوید.

چنان‌که گمارا گزارش می‌کند، در دوران تلمودی برخی روستاها به‌تنهایی بیش از ۶۰۰'۰۰۰ نفر جمعیت داشتند. با وجود این همه پالایشگر و چنین مدت درازی، چگونه ممکن است ۲۸۸ شراره هنوز پالایش نشده باقی مانده باشند؟

אלא שהוא משום שלמטה בעשייה נתפרדו הניצוצי' לאלפים وربבות אין מספר ומספר רפ"ח הוא
באצי' ושם הם ג"כ מספר ס"ר נשמות כללי' שהם צריכים לברר רפ"ח חלקים גדולים הן הניצוצות
שבאצי'.

اما [پاسخ این است که] در پایین، در عالم عمل (**עשיה**, Asiyah)، شراره‌ها به هزاران و ده‌ها هزار، بی‌شمار، پراکنده شدند. شمار ۲۸۸ در عالم صدور (**אצילות**, Atzilus) است؛ و در آن‌جا نیز شمار نفوس کلی ششصد هزار است که باید ۲۸۸ بخش بزرگ را پالایش کنند، یعنی شراره‌هایی را که در عالم صدورند.

پاسخ این است: ۲۸۸ شمار شراره‌ها در عالم **אצילות** است؛ در همان‌جا ۶۰۰'۰۰۰ نفوس کلی در برابر ۲۸۸ بخش بزرگ قرار دارند. اما در عالم **עשיה**، آن ۲۸۸ به پاره‌هایی بی‌شمار و بسیار کوچک تقسیم شده‌اند.

וכמו שלמטה נתרבה מספר הנשמות כנ"ל כך נתרבו מאד הניצוצים לאלפי אלפים חלקים קטנים ולכך נמשך הגלות שעדיין לא נשלם כל הבירורים כו' וכשיושלם הבירור יבא הגואל בב"א [במהרה בימינו אמך]:²⁴

و همان‌گونه که شمار نفوس در پایین افزوده شد، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، شراره‌ها نیز بسیار فزونی یافتند و به هزاران‌هزار بخش کوچک تقسیم شدند. از همین رو دوران تبعید طول کشیده است، زیرا هنوز همه پالایش‌ها به پایان نرسیده‌اند، و غیره؛ و چون پالایش کامل شود، رهایی‌بخش به‌زودی، در روزگار ما، خواهد آمد.

شمار نفوس با نزولشان افزایش یافت، و شراره‌ها بسیار بیش از آن فزونی گرفتند و به میلیون‌ها پاره کوچک تقسیم شدند. به همین سبب این کار این‌همه طول می‌کشد؛ و هنگامی که به پایان برسد، رهایی‌بخش خواهد آمد.

بخش 4 • 13-16

یکی کردن بسیاریان

13 והנה כתי' [כתיב] מה רבו מעשיך²⁵ ה' כלם בחכמה עשית פי' שבחי' הרבוי שנעשי' ע"י שבה"כ [שבירת

הכלים] הנ"ל בנבראי' [בנבראים] שבבי"ע

اکنون نوشته شده است: «چه بسیارند کارهای تو، ה'! همه را با حکمت آفریدی.» مقصود این است که کثرتی که بر اثر شکستنِ ظرف‌ها، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، در مخلوقاتِ عالم آفرینش (בריאה، Beriah)، عالم صورت‌بخشی (יצירה، Yetzirah) و عالم عمل (عשיה، Asiyah) پدید آمد،

واژه‌های مزبور ۱۰۴، «چه بسیارند کارهای تو»، به‌منزله توصیف کثرتی خوانده می‌شوند که از شکستن پدید آمد و در همه موجودات آفریده‌شده سه عالم فرودین یافت می‌شود.

ובפרט בעשי' [בעשיה] הרבוי והפירוד גדול יות' [יותר] שכל א' מובدل מחבירו ובבחי' יש ונפרד וזהו מה רבו מעשיך ה' כו'.

و به‌ویژه در عالم عשיה، کثرت و جدایی بیشتر است، زیرا هر یک از دیگری جداست و در مرتبه יש (yesh؛ وجودی مستقل و جدا) قرار دارد. همین است معنای «چه بسیارند کارهای تو، ه'، و الی آخر».

کثرت در عالم عשיה به بیشترین حد می‌رسد؛ در آنجا هر مخلوقی از دیگری جداست و خود را وجودی مستقل می‌پندارد. معنای «چه بسیارند کارهای تو» همین است.

14 وکولم בחכ' [בחכמה] עשית עשית הוא לי [לשון] תיקון שע"י החכ' [החכמה] הם מתתקנים בבחי' עולם

התיקון

«همه آنها را به حکمت ساختی»: فعل «ساختی» (عشית) در اینجا به معنای اصلاح کردن است: به واسطه حکمت (חכמה, Chochmah)، آنها در مرتبه عالم اصلاح (עולם התיקון, Olam HaTikkun) اصلاح می‌شوند.

واژه «ساختی» (عشית) به معنای «اصلاح کردی» خوانده می‌شود؛ چنان‌که چیزی را به صورتی شایسته درمی‌آورند. به واسطه حکمت، قطعات به عالم اصلاح، یعنی عالم سامان یافته‌ای که پس از عالم بی‌سامانی، توهو (תהו, Tohu)، می‌آید، وارد می‌شوند.

דהיינו שע"י החכ' [החכמה] מגיע ونמשך בהם הביטול להיות [להיות] בטלים ونכללים אליו ית' ולהיו' [ולהיות] מתחברין יחד עי"ז ולא יהיו מפורדים²⁶ וזהו עבודת ישראל.²⁷

یعنی به واسطه حکמה، خودنهی‌گری (ביטול, bittul) به آنها می‌رسد و در آنها جاری می‌شود، تا در برابر او خودنهی‌گر شوند و در او، که مبارک باد، مندرج گردند؛ و از این راه به یکدیگر بپیوندند و دیگر از هم جدا نباشند. و این است خدمت بنی‌اسرائیل.

حکמה مرتبه خودنهی‌گری است؛ هنگامی که به قطعات می‌رسد، آنها از جدایی خود دست می‌کشند، در او مندرج می‌شوند و بار دیگر به یکدیگر می‌پیوندند. پدیدآوردن این امر، خدمت بنی‌اسرائیل است.

15 וזאת תורת האדם^{28,29} לברר בירורין ולהעלותן מבחי' הפירוד לאחדות ה' וזהו אתה אחד ושםך אחד ומי כעמך ישראל גוי אחד בארץ.³⁰

«و این است تعلیم انسان»: پالودن آنچه باید پالوده شود و بالا بردن آن از جدایی به یگانگی ه'. و این همان است که می‌گوییم: «تو یگانه‌ای و نامت یگانه است، و کیست چون قوم تو اسرائیل، ملتی یگانه در زمین.»

عبارت «این است تعلیم انسان» چنین معنا می‌شود که وظیفه شخص را تعریف می‌کند: پاره‌های پراکنده را پالوده سازد و از جدایی به یگانگی ه' بالا ببرد. دعای مینحای شبات، «تو یگانه‌ای و نامت یگانه است، و کیست چون قوم تو اسرائیل، ملتی یگانه در زمین»، برای نشان دادن این نکته آورده شده است.

פי' אתה היינו מהו"ע [מהותו ועצמותו] ית' שהוא יחיד ומיוחד ב"ה. ושםך הוא בחי' הזיו והאור המתפשט ממנו הנק' אא"ס [אור אין סוף] ב"ה הוא ג"כ אחד בתכלית.

معنا چنین است: «تو» ذات مبارک اوست؛ او یگانه و یکتاست، مبارک باد. «نامت» درخشندگی و نوری است که از او گسترش می‌یابد و نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof) نامیده می‌شود؛ آن نیز در نهایت یگانگی است.

«تو» به ذات خود ه' اشاره دارد که مطلقاً یگانه است. «نامت» به نور و درخششی اشاره دارد که از او گسترش می‌یابد؛ یعنی نور بی‌پایان، که آن نیز کاملاً یگانه است.

16 ומי כעמד ישראל גוי אחד בארץ^{31,32} דהיינו שהם עושים בחי' אחד אפי' [אפילו] בארץ שעם היות

שבארץ הוא הפירוד היותר גדול כנ"ל שעיקר הפירוד והרבוז הוא בעשיי' [בעשייה]

«و کیست مانند قوم تو، اسرائیل، ملتی واحد در سرزمین؟» یعنی آنان حتی در زمین [پایین] یگانگی پدید می‌آورند. زیرا هرچند در زمین [پایین] بیشترین جدایی وجود دارد، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، چراکه جدایی و کثرت عمدتاً در عالم عمل (عשיה، Asiyah) است،

«ملتی واحد در سرزمین» چنین خوانده می‌شود: «آنان در سرزمین یگانگی پدید می‌آورند». عالم عمل، عالم مادی، جایگاه بیشترین جدایی است؛ و باین‌حال، قوم یهود حتی در آنجا نیز یگانگی پدید می‌آورند.

אעפ"כ [אף על פי כן] הישראל ע"י עבודתו ותורתו הם עושים שם ג"כ אחד שהם מעלים הנצוצים שנפלו

שם בשבה"כ [בשבירת הכלים] שיתעלו באחדות ה':

باین‌همه، قوم یهود به‌واسطه خدمتشان به ה' و توراتشان، آنجا نیز یگانگی پدید می‌آورند؛ زیرا جرقه‌هایی را که در آنجا هنگام شکستن ظرف‌ها فرو افتادند، بالا می‌برند تا در یگانگی ה' ارتقا یابند.

آنان این کار را از رهگذر خدمت الهی و مطالعه تورات انجام می‌دهند؛ اینها جرقه‌هایی را که در اثر شکستن ظرف‌ها به این جهان فرو افتادند، بالا می‌برند و آنها را به یگانگی ה' بازمی‌گردانند.

بخش 5 • 171-22

בסתי' دسته‌های غله: پالایش نخست

17 וזהו והנה אנחנו מאלמים אלומים בתוך השדה.³³ שזה הי' [היה] ג"כ עבודת השבטים ראובן ושמעון כו'

و این است: «و اینک، ما در میان مزرعه بافه می‌بستیم.» زیرا این نیز خدمت قبایل، روبن (ראובן) و שמعون (שמעון) و غیره بود؛

اکنون آیه آغازین توضیح داده می‌شود: عبارت «ما در میان مزرعه بافه می‌بستیم» بیانگر خدمت قبایل، یعنی برادران یوسف (יוסף)، است.

שהיו מבררים הנצוצין שנפלו בבחי' פירוד בשבה"כ [בשבירת הכלים] **והיו מעלי' [מעליה] אותן בבחי' מ"ן**
[מ"ן נוקבין] להתכלל במל' דאצי' ועי"ז היו מתחברים שם יחד והיו לאחדים שהרי נכללו באחדות ה'
בבחי' מדת מלכותו ית'.³⁴

آن‌ها شراره‌هایی را که هنگام شکستن ظرف‌ها به حالت جدایی افتاده بودند پالایش می‌کردند و آن‌ها را به صورت آب‌های مؤنث (mayin nukvin, م"ן) بالا می‌بردند تا در فرمانروایی (ملכות, Malchus) عالم صدور (אצילות, Atzilus) گنجانده شوند. از این راه، آنجا به یکدیگر پیوستند و یکی شدند، زیرا در یگانگی ה', در صفت فرمانروایی او، متبارک باد، گنجانده شدند.

برادران شراره‌هایی را که در اثر شکستن ظرف‌ها پراکنده شده بودند پالایش می‌کردند و آن‌ها را به صورت آب‌های مؤنث بالا می‌بردند و به **ملכות اצילות** وارد می‌کردند. شراره‌ها آنجا به یکدیگر می‌پیوستند و یکی می‌شدند و در یگانگی ה', در صفت فرمانروایی او، مندرج می‌گشتند.

18 וזהו פי' מאלמים אלומים. עד"מ כמו שקושרין העמרים שמקבצין כמה שבולים רבים מאד ומחברין אותן וקושרין אותן באגודה אחת

و این است معنای «بستن خوشه‌ها». برای تقریب، مانند بستن دسته‌هاست: ساقه‌های بسیار زیادی را گرد می‌آورند، به هم می‌پیوندند و در یک دسته می‌بندند،

«بستن خوشه‌ها» با کار کشاورز توضیح داده می‌شود: ساقه‌های پراکنده بسیاری را گرد می‌آورد، به هم می‌پیوندند و در یک دسته می‌بندند.

وזהו הנק' אלומה כידוע והרי מתחלה היו השבולים מפורדים זמ"ז [זה מזה] וע"י קשירה זו היו לאחדים.
 و این همان چیزی است که، چنان‌که معروف است، «خوشه بسته» نامیده می‌شود. ساقه‌ها در آغاز از یکدیگر جدا بودند و به‌واسطه این بستن، یکی شدند.

آن دسته، خوشه‌ای بسته است. ساقه‌ها در آغاز جدا بودند و بستن، آنها را یکی می‌کند.

כמו"כ [כמו כן] ממש הוא ענין הבירורים³⁵ והעלאת הנצוצות הנ"ל כשמעלין אותן מטורי דפרודי להתכלל בבחי' מ"ן [מ"ן נוקבין] באחדות ה' שנמצא נעשו ונכללו בבחי' אחד ממש ממה שהיו בתחלה בבחי' פירוד רבוי כנ"ל.

دقیقاً همین‌گونه است ماجرای پالایش‌ها و بالا بردن جرقه‌های یادشده در بالا: هنگامی که آنها از «کوه‌های جدایی» بالا برده می‌شوند تا در مقام آب‌های مؤنث (mayin nukvin, م"ן) در یگانگی ה' گنجانده شوند، در نتیجه، از حالتی که در آغاز در آن بودند – جدایی و کثرت – به‌راستی یکی شده و در مقام یکی گنجانده می‌شوند، چنان‌که در بالا توضیح داده شد.

پالایش جرقه‌ها نیز همین‌گونه است. جرقه‌های پراکنده در «کوه‌های جدایی» – اصطلاح **זהר** برای عوالم فرودین گسسته – به‌صورت mayin nukvin به یگانگی ה' بالا برده می‌شوند؛ پس آنچه بسیار و پراکنده بود، به‌راستی یکی می‌شود.

19 וזהו מאלמים אלומים היינו העלאת הנצוצות בבחי' מ"ן [מ"ן נוקבין] בתוך השדה הוא בחי' חקל תפוחין שהיא מל' דאצי' שלשם נכלל המ"ן [המ"ן נוקבין] כנודע.

و این همان «بستنی خوشه‌ها» است: یعنی بالا بردن جرقه‌ها به صورت م"ן (mayin nukvin [آب‌های مؤنث])، «در میان مزرعه»؛ و آن، مرتبه «مزرعه سیب‌ها»ست، یعنی فرمانروایی (ملכות، Malchus) در عالم صدور (אצילות، Atzilus)، جایی که م"ן در آن مندرج می‌شود، چنان‌که معلوم است.

«در میان مزرعه» همان «مزرعه سیب‌ها»ست؛ تعبیر זהר (זהר)، یعنی «مزرعه سیب‌های مقدس»، که نامی برای ملکوت در اצילות است و م"ן بالارونده در آن گرد می‌آید.

ועוד זאת מה שנק' העלאת מ"ן [מ"ן נוקבין] בלשון מאלמים אלומים. מלשון אלם שאינו יכול לדבר.

افزون بر این، علت آن‌که بالا بردن م"ן را با تعبیر «بستنی خوشه‌ها» (מאלמים אלומים, me'almim alumim) می‌نامند، پیوند آن با واژه «لال» (אלם, illem) است؛ یعنی کسی که نمی‌تواند سخن بگوید.

دلیل دیگری هم برای واژه me'almim وجود دارد: این واژه با illem، یعنی لال، کسی که نمی‌تواند سخن بگوید، هم‌آواست.

הואיל וענין העלאת מ"ן [מ"ן נוקבין] הוא בחי' בטול³⁶ היש שנתבטל ממש להכלל בה' הרי אז הוא בבחי' אלם שאינו יכול לדבר ולהשפיע לזולתו שזהו בחי' יש.

از آن‌جا که بالا بردن م"ן عبارت است از خودنفی‌گری (ביטול, bittul) حی و وجود مستقل خویش، به‌گونه‌ای که شخص حقیقتاً خود را نفی می‌کند تا در ה' مندرج شود، در آن هنگام در حالت لالی است که نه می‌تواند سخن بگوید و نه به دیگری ببخشد؛ [زیرا بخشیدن به دیگری] از ویژگی‌های موجودی است که چیزی از خود دارد.

بالا بردن م"ן یعنی دست کشیدن از احساس خودبودن تا شخص در ה' مندرج شود. در چنین حالتی، او همچون لالی است که نمی‌تواند سخن بگوید یا به دیگران ببخشد؛ زیرا بخشیدن به دیگری مستلزم آن است که شخص، خودیتی داشته باشد و چیزی برای بخشیدن.

וכיון שעיקר העלאה זו הוא בחי' הבטול ע"כ הוא הפוך ההשפעה ונק' אלם (וכענין אידי דטריד למיבלע³⁷ כו' עמ"ש ע"פ התוספתא דבשלח³⁸) (ד' נ"א) בענין אגלیدو میא כו'

و از آن‌جا که گوهر این بالا بردن، خودنفی‌گری است، پس درست در نقطه مقابل بخشیدن [به دیگران] قرار دارد و «لال» نامیده می‌شود. (این مانند این قاعده است که «چون سرگرم فروبردن است، بیرون نمی‌دهد»، و جز این؛ بنگرید به آنچه درباره توستا (תוספתא, Tosefta) در בשלח (בשלח, Beshalach) توضیح داده شده است (ص. ۵۱)، درباره «آب‌ها منجمد شدند»، و جز این.

بالا رفتن در خودنفی‌گری درست در نقطه مقابل بخشیدن به بیرون است؛ ازاین‌رو «لال» نامیده می‌شود. این پراتز، این قاعده تلمودی را به قیاس می‌آورد که چیزی که سرگرم فروبردن است، چیزی را بیرون نمی‌دهد؛ و به بحثی دیگر درباره توستفای בשלح، در باب آب‌هایی که منجمد شدند، ارجاع می‌دهد.

ועמ"ש בטעם שהמסעות³⁹ היו מ"ב וסה"ע [וספירת העומר] **הוא מ"ט ימים כי בסה"ע** [בספירת העומר] **שהוא המשכות יש בכל מדה בחי' גילוי מל' דחסד כו' משא"כ במסעות העלאות הפוך הגילוי כו' ע"ש.**

המגנין בנגידה בעל פה דודו ספרה, דר ברבר פהלו ונה רוד שורש עומר, תושח דוד שדה اس: زیرا در شمارش عומר, که عبارت از امتدادهای رو به پایین است, در هر صفت مرتبه‌ای از آشکارگی فرمانروایی مهر (חסד, Chesed) و جز آن وجود دارد؛ اما سفرها, برعکس, بالا رفتن‌ها هستند و در نقطه مقابل آشکارگی قرار دارند, و جز این: بنگرید به آنجا).

این پراتز همچنین به توضیح این پرسش ارجاع می‌دهد که چرا سفرهای بنی‌اسرائیل ۴۲ تا بود, در حالی که شمارش عומר ۴۹ روز است. شمارش عומר امتدادی رو به پایین است, ازاین‌رو هر یک از صفات آن مشتمل بر آشکارگی است؛ حال آن‌که سفرها بالا رفتن بودند, یعنی درست در نقطه مقابل آشکارگی.

כי הנה הדבור שבאדם אינו צריך לו רק בשביל לדבר לזולתו אבל כשהוא בפ"ע [בפני עצמו] **א"צ** [این צריך / אינו צריך] **לדבר.**

زیرا سخن گفتن در انسان تنها برای سخن گفتن با دیگری لازم است؛ اما هنگامی که تنهاست, نیازی به سخن گفتن ندارد. این قیاس از سخن گفتن انسان گرفته شده است: شخص فقط برای ارتباط با دیگری نیاز دارد سخن بگوید. وقتی تنهاست, نیازی به سخن گفتن ندارد.

וכך יובן למעלה بنמצאים הרוחניים ענין בחי' הדבור שבהם (כמו שמצינו בגמ' [בגמרא] שתי רוחות מספרות⁴⁰ כו') הוא בחי' כח ההשפעה לזולתו מעילה לעלול

و از این‌رو, درباره موجودات روحانی عوالم بالا نیز می‌توان فهمید که مرتبه سخن گفتن در آن‌ها (چنان‌که در گمارا (גמרא, Gemara) می‌یابیم: «دو روح با یکدیگر سخن می‌گفتند», و جز این) همان نیروی بخشیدن به دیگری است, از علت به معلول. همین امر درباره موجودات روحانی نیز صدق می‌کند؛ گمارا از سخن گفتن آن‌ها با یکدیگر یاد می‌کند, در داستان دو روح که با یکدیگر سخن می‌گفتند. «سخن گفتن» در آن‌ها نیروی بخشیدن به آنچه در مرتبه پایین‌تر است, از علت به معلول, می‌باشد.

وזהו כשהעילה הוא מהות בפ"ע [بפני עצמו] **از יכול להשפיע להעלול שלו**

و این هنگامی ممکن است که علت, موجودیتی مستقل برای خود باشد؛ در آن صورت می‌تواند به معلول خویش ببخشد. علت تنها هنگامی می‌تواند به معلول خود ببخشد که به‌عنوان موجودیتی مستقل برای خود قائم باشد.

أبل بهيوتو ذبوك بعيلتو وטרود לקבל شפע לעצمو از هوأ בבחי' בטول לעيلتو وأين بو كح لهشפע لزولتو מצد عוצم بيטولو كו'.

أما هنگامی که به علتِ خویش پیوسته و سرگرم دریافتِ فیض برای خویش است، در آن هنگام در حالتِ خودنفی‌گری (بیטול, bittul) نسبت به علتِ خویش قرار دارد و به سببِ شدتِ بیטולِ خود، نیرویی برای افاضه به دیگری ندارد، و الی آخر.

هنگامی که به سرچشمهٔ خویش چسبیده و غرقِ دریافت از آن است، در برابر آن سرچشمه بیטول دارد؛ و همین بیטول، نیروی او را برای بخشیدن به هر چیزی در مرتبهٔ پایین‌تر از خود سلب می‌کند.

20 ובחי' בטול זה שדבוק בעילתו הוא עד"מ העובר כשהוא בבטן אמו שאינו מהות בפ"ע [בפני עצמו] רק אוכל ממנה שאמו אוכלת⁴¹ כו'⁴² אלא לאחר הלידה נעשה יש בפ"ע [בפני עצמו] עד שיכול אח"כ לדבר لزולתו כו'.

و این خودنفی‌گری (بیטول, bittul)، یعنی چسبیده‌بودن به علتِ خویش، به‌طور تمثیلی مانند جنین در شکم مادر است: او موجودیتی مستقل نیست، بلکه «از آنچه مادرش می‌خورد می‌خورد» و الی آخر. تنها پس از تولد است که به موجودی مستقل بدل می‌شود، تا آنجا که بعدها می‌تواند با دیگری سخن بگوید و الی آخر.

این بیטولِ موجودی که به سرچشمهٔ خود چسبیده است، با جنین سنجیده می‌شود: جنین در رحم وجودی مستقل ندارد و «از آنچه مادرش می‌خورد می‌خورد»، چنان‌که تلمود می‌گوید. تنها پس از تولد است که به خودی مستقل بدل می‌شود و بعدها می‌آموزد با دیگران سخن بگوید.

21 ועד"ז יובן בענין הבירורי' [הבירורים / הבירורין] שעולים בבחי' מ"ן [מ"ן נוקבין] ונכללים בבחי' עבור ביסוד דנוק' [דנוקבא]

به همین ترتیب، دربارهٔ پالایش‌هایی که به صورتِ آب‌های مؤنث (מ"ן, mayin nukvin) بالا می‌روند و به‌سانِ جنین در بنیاد (יסוד, Yesod) بعدِ مؤنث / فرمانروایی (נוקבא, Nukva) گنجانده می‌شوند، این مطلب فهمیده خواهد شد.

اکنون تمثیلِ جنین دربارهٔ جرقه‌های پالایش‌یافته به کار می‌رود. هنگامی که این جرقه‌ها به صورتِ م"ן بالا می‌روند، وارد وضعیتی می‌شوند که قبلاّه آن را «بارداری» (עבור, ibbur) می‌نامد؛ یعنی در بنیادِ نוקبא، پیکربندی پذیرندهٔ فرمانروایی (מלכות, Malchus).

דהיינו שמתחלה היו בבחי' יש ודבר בפ"ע [בפני עצמו] **והי'** [והיה] **יכול להשפיע לזולתו אבל כשנכלל בבחי' מ"ן** [מ"ן נוקבין] **שהוא בחי' בטול לאוא"ס** [לאור אין סוף] **ב"ה** **ודבוק בו בתכלית ה"ז** [הרי זה] **בחי' עבור שאז אינו מהות בפ"ע** [בפני עצמו] **רק אוכל ממה שאמו אוכלת**⁴³

یعنی در آغاز در مرتبۀ «چیزی بودن» بودند و موجودیتی مستقل از خود داشتند و می توانستند به دیگری افاضه کنند؛ اما هنگامی که به صورتِ م"ן درمی آیند، که مرتبۀ خودنهی گری (بیטול, bittul) در برابرِ نورِ بی پایان (اور אין סוף, Or Ein Sof)، که متبارک است، و پیوستگی کامل به اوست، این همان مرتبۀ بارداری است؛ در آن هنگام دیگر موجودیتی مستقل از خود ندارند، بلکه تنها از آنچه مادرشان می خورد تغذیه می کنند.

پیش از بالا آمدن، هر یک موجودی مستقل و «چیزی» بود که می توانست به دیگران ببخشد. هنگامی که به صورتِ م"ן درمی آید، به کلی در برابرِ نورِ بی پایان نفی می شود و به آن می پیوندد؛ این همان بارداری است که در آن، همچون جنینی که تنها «از آنچه مادرش می خورد تغذیه می کند»، دیگر موجودیتی مستقل از خود ندارد.

ولפיכך נק' אז אלומים מלשון אלמים שאינו יכול לדבר ולהשפיע לזולתו מצד עוצם הביטול כמשל העובר כו'

ازاین رو، در آن هنگام آن ها را «بافه ها» (الومים, alumim) می نامند؛ این واژه از «لالان» (الמים, illemim) گرفته شده است، زیرا به سبب شدتِ بیטול نمی توانند سخن بگویند و به دیگری افاضه کنند؛ چنان که در تمثیلِ جنین و مانند آن آمده است. به همین دلیل، جرقه ها «بافه ها» نامیده می شوند؛ واژهٔ **الومیم** از **الמים**، به معنای لالان، گرفته شده است: خودنهی گری آن ها چنان کامل است که نمی توانند «سخن بگویند»، یعنی به دیگران افاضه کنند.

משא"כ קודם העלאה זו ועבור זה הי' [היה] בבחי' יש לדבר ולהשפיע כו' אלא שע"י העלאה זו נעשה בחי' אלמים.

اما پیش از این بالا آمدن و این بارداری، در مرتبۀ چیزی بودن بودند و می توانستند سخن بگویند و افاضه کنند و مانند آن؛ ولی به واسطۀ این بالا آمدن، مرتبۀ **الמים**، یعنی لالان، را یافتند.

پیش از این عروج می توانستند افاضه کنند؛ این خودِ عروج است که آن ها را «لال» می سازد.

22 ועד"ז יובן שיש ג"כ עבור שני לאחר הלידה כמ"ש בע"ח [בעץ חיים]⁴⁴ והיינו בשביל המשכת מוחין

דגדלות צריך לבא מתחלה בבחי' הבטול בתכלית וזהו העבור שני

به همین ترتیب روشن می‌شود که پس از تولد نیز آبستنی دومی وجود دارد، چنان‌که در اِتس حاییم (עץ חיים) آمده است. یعنی برای فرودآوردن قوای عقلانی بالغ (מוחין دגדלות, mochin degadlus)، انسان باید نخست به حالتِ خودنفی‌گری (ביטול, bittul) کامل درآید. این همان آبستنی دوم است:

قبلا (اِتس حاییم, Sha'ar HaIbbur, فصل 1، چنان‌که یادداشتِ کِهوت اشاره می‌کند) از آبستنی دومی پس از تولد سخن می‌گوید: پیش از آن‌که بتوان قوای عقلانی بالاتر و بالغ‌تر (mochin degadlus) را دریافت کرد، باید نخست به خودنفی‌گری کامل بازگشت.

דהיינו שלאחר שהיו לו מוחין והי' [והיה] יכול להשפיע לזולתו. עתה מתכלל בבחי' עבור בתכלית הבטול (ונעשה בחי' אלם כנ"ל) כדי שע"י בטול זה יומשך לו אח"כ מוחין דגדלות מא"ס ב"ה.

یعنی پس از آن‌که او پیش‌تر قوای عقلانی داشت و می‌توانست به دیگری ببخشد، اکنون در حالتِ آبستنی دربرگرفته می‌شود و به خودنفی‌گری کامل فرو می‌رود (و همان‌گونه که پیش‌تر توضیح داده شد، لال می‌شود)، تا از طریق این خودنفی‌گری، پس از آن قوای عقلانی بالغ از بی‌نهایت مطلق (אין סוף, Ein Sof)، که مبارک باد، به او فرود آورده شود.

کسی که پیش‌تر قوای عقلانی دارد و می‌تواند به دیگران ببخشد، اکنون بار دیگر وارد آبستنی می‌شود، به خودنفی‌گری کامل فرو می‌رود و دوباره «لال» می‌شود؛ همین امر امکان می‌دهد که قوای عقلانی بالغ از بی‌نهایت مطلق به او فرود آورده شود.

והנה כ"ז [כל זה] הי' [היה] עבודת השבטי' [השבטים] שהן בעולם הבריאה (לבד מיוסף שהוא מאצי' כדלקמן אי"ה [אם ירצה השם]) והם מרכבה לבחי' מלי' דאצי'

اکنون، همهٔ این‌ها خدمتِ قبایل بود که در عالمِ آفرینش (בריאה, Beriah) هستند (به‌جز یوسف (یوسف)، که از عالمِ صدور (אצילות, Atzilus) است، چنان‌که به خواستِ ה' در ادامه توضیح داده خواهد شد)؛ و آنان اربابه‌ای برای فرمانروایی (ملכות, Malchus) عالمِ صدور هستند.

بالا بردنِ مَینِ نوکبین که تا اینجا توصیف شد، خدمتِ قبایل بود؛ ریشهٔ نفوسِ آنان در عالمِ آفرینش است و آنان همچون «ارابه‌ای» (وسیله‌ای که کاملاً در برابر آن‌که بر آن سوار است فرمان‌بردار است) برای فرمانرواییِ عالمِ صدور خدمت می‌کنند. یوسف استثناست: ریشهٔ او در عالمِ صدور است، چنان‌که این گفتار (مאמר) توضیح خواهد داد.

והוא כענין י"ב בקר שהיו בים של שלמה⁴⁵ שהן י"ב בחי' שבראש הבריאה והים עומד עליהם הוא בחי' מל' דאצי'.

این مانند دوازده گای است که زیر دریای شلومو (שלמה) بودند: آن‌ها دوازده مرتبه در رأس عالم آفرینش‌اند، و دریا که بر آن‌ها قرار دارد، مرتبه فرمانروایی عالم صدور است.

حوض بزرگ شلومو، یعنی «دریا»، بر دوازده گاو قرار داشت. گاوها دوازده مرتبه در رأس عالم آفرینش (قبایل) هستند، و دریا که بر آن‌ها تکیه دارد، فرمانروایی عالم صدور است.

ולזאת עיקר עבודתם והעלאת מ"ן [מיין نوکבין] מהבیرורים שביררו בבי"ע היה מגיע עד המל' דאצי' ולשם הי' [היה] נכלל בבחי' מ"ן [מיין نوکבין].⁴⁶

ازاین‌رو، اصل خدمت آنان و بالا بردن مین نوکبین (م"ן، mayin nukvin؛ آب‌های مؤنث از پایین) از پالایش‌هایی که در عوالم آفرینش، صورت‌بخشی و عمل انجام داده بودند، تا فرمانروایی عالم صدور می‌رسید و در آنجا به صورت مین نوکبین دربرگرفته می‌شد.

به همین دلیل، خدمت قبایل در بالا بردن جرقه‌های پالوده‌شده از سه عالم فرودین، فقط تا فرمانروایی عالم صدور می‌رسید و نه بالاتر؛ جرقه‌ها در آنجا به عنوان مین نوکبین جذب می‌شدند.

بخش 6 • 23-27

پالایش دوم از بالا

23 وזהו מאלמים אלומים בתוך השדה כנ"ל. אמנם ידוע שהמ"ן [שהמיין نوکבין] אע"פ [אף על פי] שכבר נכלל בבחי' מל' עדיין הוא צריך בירור שני ע"י המ"ד [המיין דוכרין].

و این همان «بستن بافه‌ها در میان مزرعه» است، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد. بااین‌حال، معلوم است که آب‌های مؤنث (م"ן، mayin nukvin [برانگیختگی از پایین])، با آن‌که پیش‌تر در مرتبه فرمانروایی (ملכות، Malchus) گنجانده شده‌اند، هنوز به پالایش دومی به واسطه آب‌های مذکر (م"ד، mayin duchrin [جریان فیض از بالا]) نیاز دارند.

آیه آغازین دوباره یادآوری می‌شود. اما آب‌های مؤنثی که به فرمانروایی رسیده‌اند، هنوز به پالایش دومی نیاز دارند؛ این پالایش از بالا، به واسطه آب‌های مذکر می‌آید، یعنی جریانی از بالا که در پاسخ به برانگیختگی از پایین فرود می‌آید.

והוא שנמשך מ"ד [מ"ד דוכרין] **דז"א לברר המ"ן** [המ"ן נוקבין] **דנוק'** [דנוקבא] **וזהו ענין יחוד זו"נ** [זעיר אנפין נוקבא].

یعنی، آب‌های مذکر صفات عاطفی (ז"א / **זעיר אנפין**, Z'eir Anpin) فرود آورده می‌شوند تا آب‌های مؤنث بُعد مؤنث / فرمانروایی (نوکبا, Nukva) را پالایش کنند؛ و این همان پیوند Z'eir Anpin و Nukva است.

آب‌های مذکر Z'eir Anpin فرود می‌آیند تا آب‌های مؤنث Nukva را پالایش کنند؛ این همان پیوند Z'eir Anpin و Nukva، پیکربندی‌های مذکر و مؤنث عالم صدور (آצیلوت, Atzilus) است.

והענין כי אע"פ [אף על פי] **שנתבררו הנצוצות ונכללו בבחי' מ"ן** [מ"ן נוקבין] **שהוא בחי' בטול לאלקות** **כנ"ל עכ"ז** [עם כל זה] **א"א להם להתייחד ממש באלקותו ית' (כמו שהיו קודם שבה"כ** [שבירת הכלים] **שהיו** **בחי' אלקות ממש מ"ס** [מ" ספירות] **דתהו) עד שיומשך עליהם גילוי שם מ"ה** [שם מ"ה] **דאצי' ועי"ז** **יתבררו בירור שני והוא העיקר.**

توضیح آن‌که، هرچند جرقه‌ها پالایش شده و به صورت آب‌های مؤنث گنجانده شده‌اند، و این همان خودنفی‌گری (ביטול, bittul) در برابر الوهیت است، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، با این‌همه، تا زمانی که تجلی نام **م"ה** (Mah) از عالم صدور بر آن‌ها فرود نیاید، نمی‌توانند حقیقتاً با الوهیت او یکی شوند – چنان‌که پیش از شکستن ظرف‌ها بودند، هنگامی که حقیقتاً الوهیت و از ده مرتبه تجلی (سפירות, Sefiros) عالم آشفستگی (תהו, Tohu) بودند. به واسطه فرود آمدن این تجلی بر آن‌ها، پالایش دومی می‌یابند؛ و این پالایش، پالایش اصلی است.

هرقدر هم جرقه‌ها خودنفی‌گر شده باشند، هنوز نمی‌توانند حقیقتاً با الوهیت یکی شوند، چنان‌که پیش از شکستن ظرف‌ها بودند؛ آن زمان بخشی از ده مرتبه تجلی عالم Tohu و حقیقتاً الوهیت بودند. برای آن، لازم است تجلی نام Mah از عالم Atzilus، که اصل اصلاح (תיקון, Tikun) است، بر آن‌ها فرود آید؛ این پالایش دوم، پالایش اساسی است.

יען בחכ' [בחכמה] דוקא אתברירו⁴⁷ שהוא בחינת המ"ד [המ"ד דוכרין] **כי הבירור הראשון הי' [היה] רק** **שיהי' [שיהיה] בהם בחי' בטול היש**

زیرا پالایش آن‌ها مشخصاً به واسطه حکمت (חכמה, Chochmah) انجام می‌شود، که مرتبه آب‌های مذکر است؛ زیرا پالایش نخست فقط این بود که در آن‌ها خودنفی‌گری احساس «چیزی بودن» پدید آید،

این گفته که «پالایش آن‌ها به واسطه حکمت انجام می‌شود»، و تأکید اینجا بر «مشخصاً»، نشان می‌دهد که پالایش تعیین‌کننده از طریق Chochmah، مرتبه آب‌های مذکر، صورت می‌گیرد. پالایش نخست تنها خودنفی‌گری احساس خود را در آن‌ها پدید آورد.

וזהו רחוק עדיין מאלהות מאד דאיהו וגרמוהי חד שהם בבחי' בטול אמיתי אלא ע"י שנמשך בהן בחי' מ"ד [מיין דוכרין] שהוא הארת שם מ"ה [שם מ"ה] לבררם אז נכללו בבטול אמיתי באלקו'.

و این هنوز از الوهیتی که در آن «او و ظرف‌هایش (ایهو וגרמוהי, ihu vegarmohi) یکی‌اند» و در خودنفی‌گری حقیقی هستند، بسیار دور است؛ تنها هنگامی که آب‌های مذکر، یعنی تجلی نام Mah، در آن‌ها فرود آورده شوند تا پالایششان کنند، در خودنفی‌گری حقیقی در الوهیت گنجانده می‌شوند.

چنین خودنفی‌گری‌ای هنوز با عالم Atzilus، جایی که «او و ظرف‌هایش یکی‌اند» و در خودنفی‌گری حقیقی هستند، بسیار فاصله دارد. تنها هنگامی که نور نام Mah در آن‌ها وارد شود، در خودنفی‌گری حقیقی در الوهیت گنجانده می‌شوند.

24 וכמשל באדם שמברר בירורים ע"י שאוכל ושותה ואח"כ מתפלל באהוי"ר [באהבה ויראה] ע"י כח זה שאכל ושותה שנמצא נכללו החיות של המאכלים והמשקים שנפלו בשבה"כ [בשבירת הכלים] בבחי' האוי"ר [האהבה ויראה] שלו

این همانند کسی است که با خوردن و نوشیدن به پالایش می‌پردازد و سپس با نیرویی که از خوردن و نوشیدن به دست آورده است، با عشق و هیبت (אהבה وיראה, ahavah veyirah) دعا می‌کند؛ در نتیجه، نیروی حیات (חיות, chayus) که در خوراک و نوشیدنی نهفته است و در شکستن ظروف فروافتاده بود، در عشق و هیبت او گنجانده می‌شود.

این دو پالایش در خدمت انسان نظیر یکدیگرند. وقتی کسی غذا می‌خورد و می‌نوشد و سپس با نیرویی که خوراک به او بخشیده است، با **אהבה وיראה** دعا می‌کند، حיות موجود در خوراک – که در شکستن ظروف فروافتاده بود – در **אהבה وיראה** او گنجانده می‌شود.

ועכ"ז [وعم כל זה] הוא עדיין רחוק ממהו' אחד האמת אלא כשע"י העלאת מ"ן [מיין נוקבין] דאוי"ר [דאהבה ויראה] שלו נמשכו לו דו"ר [דחילו ורחימו] מלמעלה מאת ה' שתפול עליו אימה כו' אז יוכלו באוי"ר [באהבה ויראה] זו שנמשכי' [שנמשכים / שנמשכין] מלמעלה מבחי' אלקות ממש ועד"ז הוא בירור שני דמ"ד [דמיין דוכרין].

بااین‌همه، این هنوز از ذات یگانه حقیقی بسیار دور است؛ تا آن‌گاه که از راه بالا بردن آب‌های مؤنث (מ"ן, mayin nukvin) **אהבה وיראה** خود، عشق و هیبتی از بالا، از **ה'**، به سوی او فرود آید، تا «هیبت بر او فروافتد» و غیره. آن‌گاه در این **אהבה وיראה**، که از بالا و از خود الوهیت فرود آمده است، گنجانده می‌شوند. پالایش دوم آب‌های مذکر (מ"ד, mayin duchrin) نیز به همین ترتیب است.

بااین‌حال، **אהבה وיראה** یک موجود مخلوق هنوز از یگانه حقیقی بسیار دور است. تنها هنگامی که **אהבה وיראה** خود او به‌صورت آب‌های مؤنث (מ"ן, mayin nukvin) بالا می‌رود و عشق و هیبتی از بالا، از **ה'**، بر او فرود می‌آید – همان «هیبت»ی که بر انسان فرومی‌افتد – شراره‌های پالوده در **אהבה ویرאה**ی گنجانده می‌شوند که خود الوهیت است؛ این همان پالایش دوم، از راه آب‌های مذکر (מ"ד, mayin duchrin)، است.

25 ואפי' [ואפילו] ר"ע [רבי עקיבא] שיצתה נשמתו באחד⁴⁸ עכ"ז [עם כל זה] הרי מס"נ [מסירות נפש] של הנברא רחוק עדיין מאלקות אלא שנמשך עליו הארה מבחי' אחד האמת ואז נכלל מס"נ [מסירות נפש] שלו בבחי' אחד ממש.

حتی در مورد ربی عقیوا (רבי עקיבא)، که جانش با «یکی» از تن جدا شد، بااین‌همه فداکاری تا پای جان (مסירות نפש، mesirus nefesh) یک مخلوق هنوز از الوهیت دور است؛ جز آنکه پرتویی از مرتبۀ یگانه حقیقی بر او افاضه شد، و آنگاه فداکاری او در مرتبۀ یگانگی واقعی گنجانده شد.

حتی ربی عقیوا، که با واژه «یکی» از شماع (שמע, Shema) بر لب جان داد، مخلوق بود؛ و فداکاری تا پای جان یک مخلوق (مסירות نפש) هنوز از الوهیت دور است. تنها از آن رو در یگانگی حقیقی گنجانده شد که نوری از یگانه حقیقی بر او افاضه شد.

וזהו ענין למהוי אב"א [אחד באחד]⁴⁹ שבחי' א' דיחוי' [דיחודא תתאה] בטול היש נכלל ביחוי' [ביחודא עילאה] בטול אמיתי כו'.

این معنای «یکی با آن یگانه بودن» است: «یکی» در یگانگی فروتر (יחודא תתאה, yichuda tata'ah) —خودنهی‌گری (ביטול، bittul) احساس موجودیتی مستقل —در یگانگی برتر (יחודא عילאה, yichuda ila'ah)، یعنی بیטول حقیقی، گنجانده می‌شود و مانند آن.

عبارت زوهار (זהר)، «یکی با آن یگانه بودن»، این معنا را بیان می‌کند: «یکی» در יחודא תתאה (خودنهی‌گری مخلوق) در יחודא عילאה (بیטول حقیقی، که در آن جز ה' هیچ چیز وجود ندارد) گنجانده می‌شود.

26 ובחי' מ"ד [میین دוכرین] זה הנמשך לברר המ"ן [המیین נוקבין] דנוק' [دنوکبا] זהו מדרגת יוסף הצדיק שהוא בחי' ונהר יצא מעדן להשקות את הגן⁵⁰ שהגן הוא בחי' מל' ועד שם נמשך בחי' נהר הנביעה מאא"ס [מאור אין סוף] ב"ה

و این مرتبه از آب‌های مذکر (מ"ד, mayin duchrin)، که برای پالایش آب‌های مؤنث (מ"ן, mayin nukvin) بُعد مؤنث / فرمانروایی (نوکبا, Nukva) به پایین کشیده می‌شود، مرتبۀ یوسف (יוסף) صالح (צדיק, tzaddik) است؛ او مرتبۀ «و نهی از عدن بیرون آمد تا باغ را آبیاری کند» است. باغ، مرتبۀ فرمانروایی (מלכות, Malchus) است، و رود جاری از نور بی‌پایان (اور אין סוף, Or Ein Sof)، که او متبارک است، تا همان‌جا امتداد می‌یابد؛

این جریان نزولی mayin duchrin مرتبۀ یوسف صالح است؛ او با «نهی که از عدن بیرون آمد تا باغ را آبیاری کند» متناظر است. باغ، فرمانروایی عالم صدور (אצילות, Atzilus) است، و رود - جریانی از نور بی‌پایان - تا همان باغ می‌رسد.

והוא בחי' הארת הקו"ח [הקו וחוט] ושם מסתיים ואינו נמשך בבי"ע לכך הם עלמא דפרודא ומשם יפרד כו'.

آن، پرتو خط نور (کو، kav) و رشته (حوت، chut) است؛ و همان‌جا پایان می‌یابد و به عالم آفرینش (بریا، Beriah)، عالم صورت‌بخشی (יצירה، Yetzirah) و عالم عمل (عشیه، Asiyah) کشیده نمی‌شود. از این‌رو آن‌ها عالمی از جدایی‌اند، و «از آنجا جدا می‌شود» و جز این‌ها.

این جریان، پرتو کو و حوت، یعنی «خط و رشته» نوری است که از نور بی‌پایان فرود می‌آید. در فرمانروایی عالم صدور پایان می‌یابد و به سه عالم فرودین ادامه پیدا نمی‌کند؛ به همین دلیل آن‌ها «عالم جدایی»‌اند، چنان‌که آمده است: «از آنجا جدا می‌شود».

אלא שיוסף הוא צדיק שמקשר וממשיך הארת אא"ס [אור אין סוף] בבי"ע והיינו ע"י שהנבראים נכללים בבחי' מ"ן [מ"ן נוקבין] בהמל' דאצי' כנ"ל ויוסף ממשיך הארת אא"ס [אור אין סוף] ב"ה במל' לברר את המ"ן [המ"ן נוקבין] בירור שני שיהיו נכללים באלקותו ממש כנ"ל

اما یوسف، که **צדיک** است، پرتو نور بی‌پایان را به عالم آفرینش، عالم صورت‌بخشی و عالم عمل پیوند می‌دهد و به آن‌ها فرومی‌کشد. یعنی، آفریدگان، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، به صورت **م"ן** در فرمانروایی عالم صدور گنجانده می‌شوند؛ و یوسف پرتو نور بی‌پایان را به فرمانروایی فرومی‌کشد تا آب‌های مؤنث را با پالایشی دوم پالایش کند، تا واقعاً در الوهیت او مندرج شوند، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.

یوسف اما آن **צדיکی** است که عوالم را به هم پیوند می‌دهد و نور بی‌پایان را حتی به عالم آفرینش، عالم صورت‌بخشی و عالم عمل فرومی‌کشد. او این کار را از راه گنجانده‌شدن آفریدگان به صورت **م"ן** در فرمانروایی عالم صدور انجام می‌دهد: یوسف نور را به فرمانروایی فرومی‌کشد تا آن‌ها را بار دوم پالایش کند، تا در الوهیت واقعی مندرج شوند.

והארה זו היא בחי' הארת הקו וחוט דאא"ס [דאור אין סוף] וזהו בחי' ונהר יצא להשקות כו' כנ"ל.

این پرتو، پرتو خط و رشته نور بی‌پایان است، و این همان مرتبه «و نهري بیرون آمد تا آبیاری کند...» است، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.

آن نور، کو و حوت، «خط و رشته» نور بی‌پایان است؛ همان رودی که بیرون می‌آید تا باغ را آبیاری کند.

27 ونמצא מדרגת הבירור דיוסף הוא למעלה מעלה מהבירור של השבטים שבירור של השבטים הוא

שמעלים מ"ן [מ"ן נוקבין] במל' דאצי' ועדיין לא נהפך לאלהות ממש עד שיוסף ממשיך המ"ד [המ"ן דוכרין]

پس مرتبة پالایش یوسف (یوسف) بسیار فراتر از پالایش اسباط است؛ زیرا پالایش اسباط این است که آبهای مؤنث (מים نוקבין, mayin nukvin) را به فرمانروایی (ملכות, Malchus) در عالم صدور (אצילות, Atzilus) بالا می‌برند، و آن هنوز به الوهیت واقعی دگرگون نشده است تا آن‌که یوسف آبهای مذکر (מים דכורין, mayin duchrin) را به پایین بکشد،

بنابراین پالایش یوسف بسیار فراتر از پالایش اسباط است. آنان آبهای مؤنث را به فرمانروایی عالم صدور بالا می‌برند، اما آنچه بالا می‌برند هنوز به الوهیت واقعی دگرگون نشده است تا آن‌که یوسف آبهای مذکر را به پایین بکشد.

שהוא הארת אא"ס [اور אין סוף] שמלוכש בחכמה שזהו ונהר יצא מעדן כו' ובחכמה אתברירו בירור ב'

ואזי נכלל המ"ן [המ"ן נוקבין] באלקות ממש שהיא התכללות יחו"ת [יחודא תתאה] ביחו"ע [ביחודא עילאה] כנ"ל.

که همان تابش نور بی‌پایان (اور אין סוף, Or Ein Sof) است که در حکمت (חכמה, Chochmah) پوشیده شده؛ این همان «و نهري از عدن بیرون آمد...» است. «به واسطه حکمت پالایش می‌شوند»؛ این پالایش دوم است، و آن‌گاه آبهای مؤنث در الوهیت واقعی گنجانده می‌شوند؛ این همان گنجانده شدن یگانگی فروتر (יחודא תתאה, yichuda tata'ah) در یگانگی برتر (יחודא עילאה, yichuda ila'ah) است، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.

آبهای مذکر همان نور بی‌پایانی است که در حکمت پوشیده شده، یعنی «نهري از عدن». به واسطه حکمت، پالایش دوم صورت می‌گیرد و آبهای مؤنث در الوهیت واقعی گنجانده می‌شوند: یگانگی فروتر در یگانگی برتر جذب می‌شود.

بخش 7 • 28-33

دسته‌های غله خم می‌شوند

28 והיינו מ"ש והנה אנחנו מאלמים אלומים בתוך השדה שהוא הבירורים מבי"ע להעלותן בבחי' מ"ן [מ"ן]

נוקבין] במל' כנ"ל.

این همان چیزی است که نوشته شده است: «و اینک، ما در میان مزرعه دسته‌ها را می‌بستیم»؛ اینها پالایش‌هایی هستند از عوالم آفرینش، صورت‌بخشی و عمل، تا آنها را به صورت آبهای مؤنث (מ"ן, mayin nukvin) به فرمانروایی (ملכות, Malchus) بالا برند، چنان‌که در بالا توضیح داده شد.

نخستین تصویر خواب، «و اینک، ما در میان مزرعه دسته‌ها را می‌بستیم»، نخستین پالایش است: برادران جرقه‌ها را از عوالم فرودین به صورت م"ן به ملכות بالا می‌برند.

وיוסף עצמו בירר בירור זה הראשון ג"כ אף ששרשו משם מ"ה [שם מ"ה] דאצי' שהוא בחי' המ"ד [המ"ד] דוכרין⁵¹ אעפ"כ [אף על פי כן] מאחר שנתלבש למטה בגוף היה צריך לברר בירור זה התחתון ג"כ כשאר אחיו

و یوسف (یوسف) نیز خود این نخستین پالایش را انجام داد؛ هرچند ریشه‌اش از نام م"ה (Mah) در عالم صدور (اصילות، Atzilus) است، که مرتبه آب‌های مذکر (מ"ד, mayin duchrin) است، بااین‌حال، چون در پایین در کالبدی جسمانی جای گرفت، او نیز مانند دیگر برادرانش باید این پالایش فرودین را انجام می‌داد.

یوسف نیز در این نخستین پالایش سهیم بود. ریشه او در نام م"ה در اصילות است، که سرچشمه م"ד است؛ اما چون روحش در کالبدی جسمانی جای گرفت، او نیز باید مانند برادرانش این کار فرودین را انجام می‌داد.

וזהו והנה אנחנו מאלמים כו' שכולנו שוים בזה להעלות מ"ן [מ"ן נוקבין] במל'.

و این معنای «و اینک، ما دسته‌ها را می‌بستیم»، و مانند آن، است: در این کار، همگی در بالا بردن م"ן به ملکوت برابرند.

از این رو خواب می‌گوید «ما» دسته‌ها را می‌بستیم: در بالا بردن م"ן، همه برادران، از جمله یوسف، برابرند.

אלא שלאחר בירור זה והנה קמה אלומתי⁵² כו' שנמצא בו מעלה יתירה מצד שרשו בשם מ"ה [שם מ"ה] דאצי' שע"ז מדרגתו הוא להוריד מ"ד [מ"ד דוכרין] לברר בירור שני את המ"ן [המ"ן נוקבין] שכבר העלו במל'.

اما پس از این پالایش، «و اینک، دسته من برخاست»، و مانند آن؛ زیرا او به سبب ریشه‌اش در نام م"ה در اصילות برتری بیشتری دارد، و از این رو مرتبه‌اش این است که م"ד را فرود آورد و با پالایشی دوم، م"ן‌هایی را که آنان پیش‌تر به ملکوت بالا برده بودند، پالایش کند.

اما پس از آن کار مشترک، «و اینک، دسته من برخاست» می‌آید: یوسف از ریشه‌اش در نام م"ה بعدی افزون دارد؛ این ریشه به او امکان می‌دهد م"د را فرود آورد و آنچه را برادران بالا برده‌اند، با پالایشی دوم پالایش کند.

29 ובירור זה אין בכח שאר השבטים שהן בבריאה כו' שלמטה מטה מאצי'. וזהו תשובנה אלומותיכם

ותשתחוין לאלומתי⁵³ בבחי' בטול ממש

و این پالایش در توان دیگر قبایل نیست؛ آنان در عالم آفرینش (ברیאה, Beriah) و مانند آن‌اند و بسیار پایین‌تر از عالم صدور (Atzilus, اصילות) قرار دارند. و این است معنای «دسته‌های شما گرداگرد دسته من آمدند و در برابر دسته من سر فرود آوردند»: به نحو خودنهی‌گری (bittul, بیטול) واقعی.

قبایل دیگر که ریشه‌شان در عالم آفرینش و بسیار پایین‌تر از عالم صدور است، نمی‌توانند پالایش دوم را به انجام برسانند. از همین رو در خواب، دسته‌هایشان گرداگرد دسته یوسف (یوسف) می‌گردند و در برابر آن سر فرود می‌آورند: آنان در برابر او به بیטול می‌رسند.

כי בלעדי המ"ד [המ"ן דוכרין] دیوسف לא נכלל המ"ן [המ"ן נוקבין] שלהם באלקות ממש רק שע"י המ"ד [המ"ן דוכרין] دیوسف שמבררם בירור ב' שיוכללו בביטול אמיתי דמ"ה [דשם מ"ה]

زیرا بدون آبهای مذکر (mayin duchrin, میین دוכرین) یوسف، آبهای مؤنث (mayin nukvin, میین نوکبین) آنان در الوهیت واقعی داخل نمی‌شد؛ تنها از طریق آبهای مذکر یوسف، که آنان را با پالایش دوم پالایش می‌کند تا در خودنفی‌گری حقیقی نام م"ה (Mah) داخل شوند،

بدون آبهای مذکر یوسف، آنچه برادران بالا می‌آوردند هرگز در الوهیت واقعی داخل نمی‌شد. تنها پالایش دوم اوست که آن را در خودنفی‌گری حقیقی نام م"ה وارد می‌کند.

וזהו ותשתחווין כו' ואז הוא שנכללו באלקות כנ"ל (ועמ"ש בענין ב' בירורים אלו ע"פ ואלה שמות):⁵⁴

و این است معنای «و سر فرود آوردند» و مانند آن: آن‌گاه بود که، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، در الوهیت داخل شدند. (و بنگرید به آنچه دربارهٔ این دو پالایش بر آیه «و اینها نام‌ها هستند» توضیح داده شده است.)

سر فرود آوردن برادران لحظه‌ای است که کارشان در الوهیت داخل می‌شود. عبارت داخل پرائنز به بحثی گسترده‌تر دربارهٔ این دو پالایش در مامار «و اینها نام‌ها هستند» (آغاز کتاب شموت (Shemos, שמות)) اشاره دارد.

30 והנה להבין ביאור ענין ותשתחווין لאלומתי. גם ענין החלום השני השמש והירח כו' משתחווים לי⁵⁵

שהדברים מגיעים ליעקב וכמ"ש ואביו שמר⁵⁶ כו'.

اکنون، برای فهم توضیح «و آنان در برابر دستۀ من سجده کردند»، و نیز موضوع خواب دوم، «خورشید و ماه ... در برابر من سجده می‌کنند»، زیرا این سخن به یعقوب (יעקب) مربوط می‌شود، چنان‌که نوشته شده است: «و پدرش [این مطلب را] در خاطر نگاه داشت»، و جز این؛

دو پرسش دربارهٔ سجده مطرح می‌شود: دسته‌های برادران در برابر دستۀ یوسف سجده کردند، و در خواب دوم خورشید و ماه در برابر او سجده می‌کنند. خواب دوم به یعقوب مربوط می‌شود؛ از این‌رو آیه می‌گوید که پدرش «این مطلب را در خاطر نگاه داشت».

איך יתכן שיעקב שהוא למעלה במדרגה מיוסף כי הוא בחי' גוף ויוסף בחי' ברית ואע"ג [ואף על גב] דגוף וברית כחדא מ"מ הוא גבוה כו' א"כ איך ישתחווה ליוסף וזה תמוה.

چگونه ممکن است یعقوب، که از نظر مرتبه از یوسف (یوسف) بالاتر است – زیرا او مرتبۀ بدن [زیبایی و هماهنگی (תפארת, Tiferes)] است و یوسف مرتبۀ عهد [بنیاد (יסוד, Yesod)] – و با آنکه «بدن و عهد یکی به شمار می‌آیند»، با این‌همه او بالاتر است و ... پس چگونه در برابر یوسف سجده می‌کند؟ این مسئله شگفت‌آور است.

یعقوب چگونه می‌توانست در برابر یوسف سجده کند؟ از نظر کابالیستی، یعقوب תפארת (Tiferes)، «بدن مراتب تجلی (ספירות, Sefiros)» است و یوسف יסוד (Yesod)، «عهد». هرچند «بدن و عهد یکی به شمار می‌آیند»، بدن همچنان مرتبۀ بالاتری دارد؛ پس سجده یعقوب ناممکن به نظر می‌رسد.

אך הענין כי השתחוואה כוללת ב' בחי'.⁵⁷ הא' בחי' בטול שבטל ומשתחוה כו' כמו וצבא השמים לך משתחווים^{58, 59} שהם מתבטלים כו'. הב' הוא ענין המשכה שמרכין ראשו וממשיכו למטה.

אما حقیقت این است که سجده دو جنبه را دربرمیگیرد. نخست، جنبه خودنهی گری (بیטול, bittul) است: شخص به حالت خودنهی گری درمیآید و سجده می کند و ...؛ مانند «و سپاه آسمان در برابر تو سجده می کنند»، زیرا آنان در برابر تو به حالت خودنهی گری درمی آیند و جنبه دوم، فرودآوردن است: شخص سرش را خم می کند و [آن را] به پایین می کشد.

پاسخ این است که سجده دو بُعد دارد: خودنهی گری، چنان که «سپاه آسمان در برابر تو سجده می کنند»، و نیز فرودآوردن؛ یعنی خم کردن سر به پایین، چیزی را به پایین می کشاند.

31 ובאמת הא בהא תליא שע"י הבטול גורם ההמשכה כו'. וכן ידוע ג"כ מהשתחוואה שבשע" [שבשמונה

עשרה] באמרו בא"י [ברוך אתה ה'] שהוא בחי' בטול וגם המשכה ע"י שמרכין ראשו וממשיך מבחי' ברוך בבחי' אתה כמבואר בפע"ח [בפרי עץ חיים].⁶⁰

و در حقیقت، یکی به دیگری وابسته است؛ زیرا انسان از راه خودنهی گری (بیטול, bittul) سبب فرودآمدن نور می شود و غیره. این نکته از خم شدن در نماز شמונה عשרה (Shemoneh Esreh) نیز شناخته شده است؛ آن گاه که می گوید: «مبارک هستی، نام چهارحرفی (ה', Havayah)»: این کار هم خودنهی گری است و هم فرودآوردن نور؛ زیرا انسان سر خود را خم می کند و نور را از مرتبه «مبارک» به مرتبه «تو» فرود می آورد، چنان که در پری عتس چاییم (פרי עץ חיים) توضیح داده شده است.

این دو جنبه به یکدیگر وابسته اند: خودنهی گری است که نور را فرود می آورد. نوشته های آریزال (האריז"ל)، در پری عتس چاییم (פרי עץ حיים)، این نکته را در خم شدن نماز شמונה عשרה، هنگام گفتن «مبارک هستی، ה'»، توضیح می دهند: انسان خودنهی گری می کند و با خم کردن سر، نور را از مرتبه نهان «مبارک» به مرتبه آشکار «تو» فرود می آورد.

32 ועד"ז יובן ענין ותשתחוין לאלומתי. כי הנה השבטים כשהעלו מ"ן [מ"ן נוקבין] במלכות וצריכים לעורר

המשכת מ"ד [מ"ן דוכרין] דאצילות שע"ז עיקר הבירור.

به همین ترتیب، معنای «و آنان در برابر خوشه من سجده کردند» روشن می شود. زیرا هنگامی که قبایل م"ן (mayin nukvin) [آبهای مؤنث] را به فرمانروایی (ملכות, Malchus) بالا بردند، می بایست جریان م"ד (mayin duchrin) [آبهای مذکر] را از عالم صدور (אצילות, Atzilus) برانگیزند؛ زیرا تصفیه اصلی از همین راه صورت می گیرد.

اکنون سجده برادران توضیح داده می شود. پس از آنکه م"ן را به فرمانروایی بالا برده بودند، باید جریان م"د را از عالم صدور برمی انگیزند؛ و تصفیه اصلی از همین راه صورت می گیرد.

ובאמת אין המ"ד [המ"ד דוכרין] נמשך אלא לאחר שיש העלאת מ"ן [מ"ן נוקבין] כי לית ברכתא שריא באתר ריקניא⁶¹ רק כשיש כלי אז שורה האור והמ"ן [והמ"ן נוקבין] הוא כלי להמ"ד [להמ"ן דוכרין].

در حقیقت، م"ד تنها پس از بالا بردن م"ן به پایین کشیده می‌شود، زیرا «برکت در جای خالی قرار نمی‌گیرد»: نور تنها هنگامی قرار می‌گیرد که ظرفی وجود داشته باشد، و م"ן ظرف م"د است.

م"د تنها پس از بالا رفتن م"ן می‌آید، زیرا چنان‌که زوهار (זהר) می‌گوید، «برکت در جای خالی قرار نمی‌گیرد». نور تنها جایی قرار می‌گیرد که ظرفی باشد، و م"ן ظرف م"د است.

לכן כדי לעורר המשכת מ"ד [מ"ן דוכרין] دیוסף היה צ"ל תחלה העלאת מ"ן [מ"ן נוקבין] דהשבטים בבחינת בטול לעורר המשכה זו. גם יובן זה ממשל גשמי בזיוג זכר ונקבה שאין קישוי אלא לדעת.⁶²

بنابراین، برای برانگیختن جریان م"د یوسف (یوسف)، نخست می‌بایست م"ן قبایل در مرتبه خودنفی‌گری (ביטול, bittul) بالا برده می‌شد تا این جریان برانگیخته شود. این مطلب را همچنین می‌توان از تمثیلی جسمانی فهمید: در پیوند مرد و زن، «برانگیختگی جز با قصد و آگاهی نیست».

پس، برای فرودآوردن م"د یوسف، لازم بود نخست م"ן برادران در خودنفی‌گری بالا برود. آلتز ربه (ادم"ר הזקן) نظیر این را در پیوند جسمانی مرد و زن نشان می‌دهد و به گفته تلمود استناد می‌کند که برانگیختگی به قصد و آگاهی وابسته است.

33 וכשהנקבה עורכת שולחנה אז נתעורר תאות הזכר כו'. וזהו והנה תסובינה אלומותיכם שעשו הכלי והעלאת מ"ן [מ"ן נוקבין] ותשתחווין לאלומתי.

و هنگامی که زن سفره‌اش را می‌گستراند، آن‌گاه میل مرد برانگیخته می‌شود، و غیره. و این است معنای «و اینک، خوشه‌های شما گرداگرد خوشه من چرخیدند»، زیرا آنان ظرف را پدید آوردند و آب‌های مؤنث (מ"ן, mayin nukvin) را بالا بردند، و «در برابر خوشه من سر فرود آوردند».

این تمثیل با بیانی پوشیده ادامه می‌یابد: وقتی زن «سفره‌اش را می‌گستراند»، میل مرد برانگیخته می‌شود. به همین ترتیب، خوشه‌های برادران «گرداگرد خوشه یوسف چرخیدند» و از طریق آب‌های مؤنث آنان ظرف را پدید آوردند، و در برابر خوشه یوسف (یوسف) سر فرود آوردند.

ובהשתחואה זו עשו ב' בחי' א' הבטול שלהם לאור א"ס הב' שע"ז עשו ג"כ ההמשכה שיומשך המ"ד [המ"ן דוכרין]

و آنان با این سر فرود آوردن دو کار کردند: نخست، خودنفی‌گری (ביטול, bittul) در برابر نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)؛ دوم، از این راه فرودآوردن را نیز به انجام رساندند، تا آب‌های مذکر (מ"ד, mayin duchrin) فرود آورده شود، سر فرود آوردن آنان هر دو جنبه را در بر داشت: خودنفی‌گری در برابر نور بی‌پایان، و از این راه، فرودآوردن آب‌های مذکر.

דהיינו שיומשך הארת הא"ס בבחי' יוסף והמשכה זו שעשו הם היינו שיומשך בחי' האו"פ [האור פנימי] ביוסף. ואמנם השתחואה דיעקב היה רק ענין המשכה לבדה שהמשיך בחי' המקיף ליוסף כו'.

یعنی تابش بی‌نهایت مطلق (این سوف, Ein Sof) به مرتبهٔ یوسف فرود آورده شود؛ و این فرودآوردنی که آنان پدید آوردند، عبارت بود از آن‌که نور درونی (او"פ, or pnimi) به یوسف فرود آورده شود. اما سر فرود آوردن یعقوب (יעקب) تنها کارکرد فرودآوردن را داشت، زیرا او [نور] فراگیر (مקיף, makif) را به یوسف فرود آورد، و غیره.

آنچه آنان فرود آوردند، نور بی‌نهایت به درون یوسف بود، و به‌طور مشخص، نور درونی (او"פ)؛ نوری که وارد وجود او می‌شود و جزئی از او می‌گردد. در مقابل، سر فرود آوردن یعقوب تنها فرودآوردنی بود، و آنچه او به یوسف رساند، نور فراگیر (مקיף) بود که واری او و فراتر از او باقی می‌ماند.

بخش 8 • 34-35

اشتباه برادران

34 והנה סבת שנאת השבטים ליוסף על חלומותיו כו' הוא לפי שהם טעו בדבר א'.

اکنون، علتِ نفرتِ قبایل از یوسف (یوسف) به‌سبب خواب‌های او و غیره، این است که در نکته‌ای دچار اشتباه شدند.

چرا برادران به‌سبب خواب‌های یوسف از او نفرت داشتند؟ چون در یک نکته اشتباه کردند.

בהיות כי ידוע בענין ששם עלו שבטים שבטי⁶³ י"ה כו'. שיש בחי' י"ב גבולי אלכסון⁶⁴ בז"א

דאצילות ונק' שבטי י"ה שנמשכים מאו"א [מאבא ואימא].

از آن‌جا که معلوم است دربارهٔ عبارتِ «آنجا اسباط بالا رفتند، اسباطِ ی"ה» و غیره، دوازده مرزِ مورَب در صفاتِ عاطفی (ז"א / זעיר אנפין, Z'eir Anpin) در عالمِ صدور (אצילות, Atzilus) وجود دارد و آن‌ها «اسباطِ ی"ה» نامیده می‌شوند، زیرا از پدر و مادر (אבא ואימא, Abba v'Imma) امتداد می‌یابند.

آیهٔ «آنجا اسباط بالا رفتند، اسباطِ ی"ה» در قبلا به دوازده «مرزِ مورَب» اشاره دارد؛ این مرزها در سفرِ یصیرا (ספר יצירה) همان دوازده لبه‌ای هستند که در محلِ تلاقیِ دو جهت از شش جهت پدید می‌آیند. آن‌ها «اسباطِ ی"ה» نامیده می‌شوند، چون از پدر و مادر، یعنی حکمت (חכמה, Chochmah) و فهم (בונה, Binah)، سرچشمه می‌گیرند؛ دو حرفِ نامِ ی"ה نمایندهٔ این دو هستند.

35 ולזאת סברו השבטים שלמטה ששרשן משם וא"כ הם במדרגה אחת עם יוסף שכולן שרשן מז"א

דאצילות וא"כ אין צריכים לו בשביל המשכת המ"ד [המ"ד דוכרין]

ازاین رو، قبایلِ فرودین چنین می‌پنداشتند که ریشه‌شان از همان جاست؛ و اگر چنین باشد، آنان هم‌مرتبهٔ یوسف (یوسف) هستند، زیرا ریشهٔ همهٔ آنان از صفاتِ عاطفی (ז"א / זעיר אנפין, Z'eir Anpin) در عالمِ صدور (אצילות, Atzilus) است؛ و اگر چنین باشد، برای فرود آوردنِ آب‌های مذکر (מ"ד, mayin duchrin) به او نیازی ندارند،

برادران استدلال می‌کردند که چون جان‌هایشان از دوازده حدِّ صفاتِ عاطفی سرچشمه می‌گیرد، هم‌مرتبهٔ یوسف‌اند و بنابراین برای فرود آوردنِ آب‌های مذکر به او نیازی ندارند.

שהרי כמוהו כמוהם משרש א' מבחי' ז"א שמשם המשכת המ"ד [המ"ד דוכרין]. אבל טעו בזה כי אמת ששרשם⁶⁵ מז"א כנ"ל אבל הם בעצמם למטה בבריא.

زیرا او و آنان همانندند و از یک ریشه در صفاتِ عاطفی، که آب‌های مذکر از آن فرود می‌آید. اما در این نکته خطا کردند: درست است که ریشه‌شان از صفاتِ عاطفی است، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، اما خودِ آنان در پایین، در عالمِ آفرینش (בריא, Beriah) هستند.

آنان گمان کردند که از همان ریشه در صفاتِ عاطفی که سرچشمهٔ آب‌های مذکر است، هم‌ترازِ یوسف‌اند. اشتباهشان این بود: ریشه‌شان حقیقتاً از آنجاست، اما خودشان در پایین، در عالمِ آفرینش‌اند.

וכנ"ל בענין בחי' י"ב בקר שהים עומד עליהם מלמעלה הילכך הם רק המעלים מ"ן [מ"ן נוקבין] למלכות. و چنان‌که پیش‌تر دربارهٔ مرتبهٔ دوازده گاو توضیح داده شد، که دریا از بالا بر آنها قرار دارد، ازاین رو آنان فقط بالابرندگان آب‌های مؤنث (מ"ן, mayin nukvin) به فرمانروایی (מלכות, Malchus) هستند.

همانند دوازده گاوی که دریا را بر فراز خود حمل می‌کنند، آنان فقط می‌توانند آب‌های مؤنث را به فرمانروایی بالا ببرند.

משא"כ יוסף שלמטה הוא עצמו מבחי' יסוד דאצילות ממש ולפיכך הוא דוקא הממשיך מ"ד [מ"ן דוכרין] והם צריכים לו כמו שכתוב והנה תסובינה אלומותיכם⁶⁶ כו' כנ"ל:⁶⁷

اما یوسف، [حتی] در پایین، خود از مرتبهٔ بنیاد (יסוד, Yesod) در عالمِ صدور است؛ ازاین رو، او به‌خصوص کسی است که آب‌های مذکر را فرود می‌آورد و آنان به او نیاز دارند، چنان‌که نوشته شده است: «و اینک، بافه‌های شما دور زدند»، و غیره، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.

یوسف، حتی در پایین، خود از بنیاد در عالمِ صدور است؛ پس اوست که آب‌های مذکر را فرود می‌آورد و آنان به او نیاز دارند، چنان‌که در خواب آمده بود: «بافه‌های شما گردِ بافهٔ من چرخیدند و در برابرِ بافهٔ من سر فرود آوردند.»

در کار بندگی

انسان با خوردن به قصد **ה'**، جرقه‌های نهفته در غذا و جهان را پالایش می‌کند و سپس با عشقی و هیبتی (**אהבה ויראה**, ahavah veyirah) که از آن نیرو برمی‌خیزد، نماز می‌خواند. اما عشق و هیبت خود انسان، حتی فداکاری تا پای جان (**מסירות נפש**, mesirus nefesh)، تا هنگامی که هیبتی از بالا بر آنها فرود نیاید، همچنان «یگانگی فروتر» می‌مانند؛ خدمت انسان از پایین، ظرف را با خودنفی‌گری برای آن موهبت از بالا آماده می‌کند.

پرسش‌هایی برای گفت‌وگو

1. تمثیل حروف **ברוך** چگونه معنای «شکستن» را روشن می‌کند، و چرا جدایی سبب می‌شود نور از آنها برود؟
2. چرا فزونی یافتن ۲۸ جرقه، طولانی‌بودن تبعید را توضیح می‌دهد؟
3. خودنفی‌گری جرقه‌های صعودکننده از چه جهت «خاموش» است، و تمثیل جنین چگونه آن را روشن می‌کند؟
4. تفاوت پالایش نخست، یعنی کار برادران، با پالایش دوم، یعنی کار یوسف، چیست و نمونه خوردن و نماز چگونه آن را نشان می‌دهد؟
5. دو جنبه خم‌شدن چگونه دشواری خم‌شدن یعقوب در برابر یوسف را برطرف می‌کند؟

یادداشت‌ها

بند 1

1 והנה אנחנו מאלמים אלמים

یادداشت، این متن را یکی از دو نسخهٔ دیگر همین گفتارِ حسیدی می‌شمارد؛ متنی موازی با این گفتار.

یادداشتِ کهوت

ב' הנחות אחרות — בסה"מ תקס"ה ע' צט. וראה במאמרי אדה"ז הקצרים ע' יח. ובמגדל עוז ע' שפט שרבינו הזקן למד ענין זה מהרה"ק אברהם בן הה"מ ז"ל. באוה"ת בראשית כרך ו תרפב, א המאמר עם הגהות אחרות נדפס מגותי"ק כ"ק הצ"צ שנכתבו כנראה בחיי כ"ק אדה"א או קודם לזה. ראה לעיל בציונים לכ"ק אדמו"ר זי"ע. ראה הנחות — תרש"ז ד"ה והנה אנחנו שמבאר הענינים של המאמר. ראה ד"ה פדה בשלום תשלי"ה.

2

2 והנה אנחנו מאלמים אלמים

یوسف (יוסף) خوابش را برای برادرانش بازگو می‌کند: آن‌ها در مزرعه دسته‌های غله را می‌بستند؛ دستهٔ او برپا ایستاد و دسته‌های آنان در برابرش خم شدند. تمام این گفتار (مאמר, maamar) این آیه را تفسیر می‌کند.

Genesis 37:7 בראשית ל"ז:ז

וְהֵנָּה אֲנַחְנוּ מְאַלְמִים אֱלֹמִים בְּתוֹךְ הַשָּׂדֶה וְהֵנָּה קָמָה אֱלֹמָתִי וְגַם-נִצְבָּה וְהֵנָּה תִּסְבִּינָה אֲלֵמִיתִיכֶם וְתִשְׁתַּחֲוֶינַי לְאֱלֹמָתִי:

for, behold, we were binding sheaves in the field, and, lo, my sheaf arose, and also stood upright; and, behold, your sheaves came round about, and bowed down to my sheaf.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشتِ کهوت

בראשית לו, ז.

3

3 אלה המלכים אשר מלכו

«اینها پادشاهانی هستند که در سرزمینِ ادوم فرمانروایی کردند، پیش از آن‌که پادشاهی بر بنی‌اسرائیل فرمانروایی کند.» بر پایهٔ قبلا (קבלה, Kabbalah), آلֵתר רֵבֶה (אדמו"ר הזקן) این پادشاهان را هفت پادشاه תהו (Tohu; عالم آشوب) می‌خواند که ظرف‌هایشان درهم شکست.

Genesis 36:31 בראשית ל"ו:ל"א

וְאֵלֶּה הַמֶּלְכִּים אֲשֶׁר מָלְכוּ בְּאֶרֶץ אֱדוֹם לִפְנֵי מֶלֶךְ-לְבָנִי יִשְׂרָאֵל:

And these are the kings that reigned in the land of Edom, before there reigned any king over the children of Israel.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشتِ کهوت

בראשית לו, לא.

4

4 שהן ז' מלכין קדמאין דתהו שנפלו בשבכה"כ

آلֵתר רֵבֶה در آنجا توضیح می‌دهد که شکستنِ هفت پادشاه ازلی که «فرمانروایی کردند و مردند» فقط در هفت مرتبهٔ فرودینِ مراتبِ تجلی رخ داد و هرگز در حکمت (חכמה, Chochmah) رخ نداد؛ این فرایند با نخستین پادشاه, Bela, که شناخت (דעת, Daas) است، آغاز شد. همچنین نور حکمت که در 288 جرقه باقی ماند، ظرف‌های شکسته را زنده نگه می‌دارد.

یادداشتِ کهوت

ראה לקמן קי, ד. ביאורו"ז להצ"צ כרך א ע' רפא.

5

5 ומשם . . כידוע

اختلافِ نسخه: نسخهٔ این مقاله که در **اور התורה** چاپ شده، عبارت «و از آنجا فرود آمدند... چنان‌که معروف است» را ندارد.

یادداشتِ کهوت

באוה"ת שם ליתא.

بند 2

6 שהוא ענין הברכה

آن **مאמר** می‌افزاید که «برکت» در اینجا به‌معنای فروفرستادن (**המשכה**) است؛ بنابراین، واژهٔ **ברוך** مفهوم فروفرستادنِ نور الهی به پایین را در خود دارد.

یادداشتِ کهوت

בד"ה פדה בשלום תשלי"ה (הנחה בלתי מוגהה) מוסיף "היינו ברכה לשון המשכה".

7

7 אזי לא ימצא בהן התלבשות השכלה זאת כלל

آن **مאמר** می‌افزاید که این مفهوم دیگر در حروفِ جداشده آشکار نیست، اما قطعاً اتّری از به‌هم‌پیوسته‌بودنشان باقی می‌ماند، زیرا قداست هرگز جایگاه خود را ترک نمی‌کند.

یادداشتِ کهوت

בד"ה פדה בשלום תשלי"ה מוסיף: "היינו שאין השכלה זו בגילוי, אבל בטח שנשאר איזה רושם מזה שהיו אותיות אלו ביחד, שהרי קדושה לא زזה ממקומה".

بند 3

8 היש מספר

«آیا برای سپاهیان او شماره‌ای هست؟» بلدِ سپاهیان بی‌شمار **ה'** را توصیف می‌کند؛ آلتر ربه (**אדמו"ר הזקן**) از این عبارت برای گونه‌های بی‌شمار مخلوقاتِ استفاده می‌کند که از ظرف‌های شکسته پدید آمدند.

Job 25:3 איוב כ"ה:ג

הֲיֵשׁ מִסְפָּר לְגִדְדֹדָיו וְעַל־מִי לֹא־יָקוּם אוֹרְהוּ:

Is there any number of His armies? And upon whom doth not His light arise?

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشتِ کهوت

איוב כה, ג.

بند 4

9 שאין עוד מלבדו

موسی (**משה**) به اسرائیل می‌گوید: «نام چهارحرفی (**ה', Havayah**) همان **אלקים** است؛ جز او هیچ‌چیز دیگری نیست.» اد **מו"ר הזקן** آن را بیان یگانگی حقیقی **ה'** می‌داند؛ یگانگی‌ای که وجودِ جداگانهٔ مخلوقات ظاهراً با آن در تعارض است.

Deuteronomy 4:35 דברים ד':ל"ה

אִתָּהּ הָרָאָתָה לְדַעַת כִּי ה' הוּא הָאֱלֹקִים אֵין עוֹד מִלְבְּדוֹ:

Unto thee it was shown, that thou mightiest know that the L-RD, He is G-d; there is none else beside Him

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

Now the earth was unformed and void, and darkness was upon the face of the deep; and the spirit of G-d hovered over the face of the waters.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

15 רפ"ח מת

این یادداشت به بحثی دربارهٔ ۲۸۸ جرقه در Biurei HaZohar دربارهٔ پاراشای בלק ارجاع می‌دهد.

یادداشت کھوت

ראה ע"ח שער רפ"ח ניצוצין פ"א. ראה גם בה"ז בלק קט, ד. סה"מ תקס"ה ע' קד. מאמרי אדה"א בראשית ע' נו. מאמרי אדה"ז — פרשיות פ' בראשית ע' ה. סה"מ תרל"ב ח"ב ע' שנו. סה"מ אעת"ר ע' קפב. ועוד.

16 רפ"ח מת

در «Gate of the 288 Sparks», chapter 1, آریزال توضیح می‌دهد که چون پادشاهان توهو (Tohu: [عالم آشفگی]) مردند، ۲۸۸ جرقهٔ نور درون ظرف‌های شکسته باقی ماندند؛ و واژهٔ **مرحפת** (merachefes) را به معنای «۲۸۸ مردند» می‌خواند.

Sefer Etz Chaim 18:2 עץ חיים י"ח:ב'

... כשנשברו הכלים היו ו' מדרגות הראשונות ושאר המדרגות מן הז' ואילך והוא בכלל שהוא חשבון ומספר י' אותיות המילוי שהם ג' ע"ב ומשמם ואילך כולם ירדו בבריאה עם הכלים בסוד הניצוצין ופשוט הוא שכל המדרגות שלמטה ממנו נכללין בה ואינם נחשבים בה כדבר בפ"ע ולכן אינה עולה במספר ולכן אינו נחשב רק מדרגה זו בחי' מספר י' אותיות המילוי שהוא ג' ע"ב וכל שאר הניצוצין שלמטה מהם נכללין באלו ע"ב וכבר נת"ל במקומות רבים כי מציאת מספר רפ"ח ניצוצין הם ד' בחי' ע"ב שירדו מאלו הד' הויות וכולם יחד ...

Sefer Etz Chaim (Public Domain)

بند 11

17 כמו שהיו עדיין באצילות

یادداشت، خواننده را به گفتاری در لکوسی شیחות ارجاع می‌دهد که این نکته را بررسی می‌کند: عدد ۲۸۸ به جرقه‌ها در حالی اشاره دارد که هنوز در **اצילות** بودند.

یادداشت کھوت

ראה לקו"ש חט"ו ע' 524.

18 וזהו רפ"ח מת

آموزهٔ آریزال (האר"י) این است که واژهٔ «بالזنان» (مرحפת, merachefes) عبارت «۲۸۸ مُردند» (מת רפ"ח) را می‌سازد. آلتز ربه (ادمو"ר הזקן) می‌افزاید که ۲۸۸ شمارِ جرقه‌ها در مرتبهٔ عالم صدور (אצילות, Atzilus) است.

Sefer Etz Chaim 18:2 עץ חיים י"ח:ב'

... כשנשברו הכלים היו ו' מדרגות הראשונות ושאר המדרגות מן הז' ואילך והוא בכלל שהוא חשבון ומספר י' אותיות המילוי שהם ג' ע"ב ומשמם ואילך כולם ירדו בבריאה עם הכלים בסוד הניצוצין ופשוט הוא שכל המדרגות שלמטה ממנו נכללין בה ואינם נחשבים בה כדבר בפ"ע ולכן אינה עולה במספר ולכן אינו נחשב רק מדרגה זו בחי' מספר י' אותיות המילוי שהוא ג' ע"ב וכל שאר הניצוצין שלמטה מהם נכללין באלו ע"ב וכבר נת"ל במקומות רבים כי מציאת מספר רפ"ח ניצוצין הם ד' בחי' ע"ב שירדו מאלו הד' הויות וכולם יחד ...

Sefer Etz Chaim (Public Domain)

بند 6

10 ונהר יוצא מעדן

«رودی از عدن بیرون می‌آید تا باغ را آبیاری کند، و از آنجا منشعب می‌شود و به چهار سرشاخه بدل می‌گردد.» آلتز ربه (ادمو"ر הזקן) عدن را حکمت (חכמה, Chochmah)، باغ را فرمانروایی عالم صدور (אצילות, Atzilus) و انشعاب را آغازِ عالمِ آفرینش (ברیאה, Beriah) می‌خواند.

Genesis 2:10 בראשית ב':י'

וְנָהָר יֵצֵא מֵעֵדֶן לְהַשְׁקוֹת אֶת-הָעֵץ וּמִשָּׁם יִפְרָד וְהָיָה לָאַרְבַּעָה רָאשִׁים:

And a river went out of Eden to water the garden; and from thence it was parted, and became four heads

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کھوت

בראשית ב, י.

بند 7

11 פני ארי' אל הימין פני שור

رؤیای مرکب حزقیال (יחזקאל): چهرهٔ انسانی، چهرهٔ شیری در سمت راست، چهرهٔ گاو در سمت چپ و چهرهٔ عقابی. آلتز ربه (ادمو"ر הזקן) این چهره‌ها را با چهار اردوگاهی یکی می‌داند که رود در عالم آفرینش (ברیאה, Beriah) به آن‌ها تقسیم می‌شود.

Ezekiel 1:10 יחזקאל א':י'

וְדְמוּת פְּנֵיהֶם כְּפְנֵי אָדָם וּפְנֵי אַרְיֵה אֶל־יְמִינָם לְאַרְבַּעַתָּם וּפְנֵי־שׁוֹר מִהַשְׂמָאוֹל לְאַרְבַּעַתָּם וּפְנֵי־נֶשֶׁךְ לְאַרְבַּעַתָּם:

As for the likeness of their faces, they had the face of a man; and they four had the face of a lion on the right side; and they four had the face of an ox on the left side; they four had also the face of an eagle

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

بند 10

12 הס"ר נשמות הם שכבר נתקנו ונתבררו

این یادداشت به شرحی مفصل از تسמח تسדک (הצמח צדק) ارجاع می‌دهد که در افزوده‌های این مجلد چاپ شده است؛ شرحی دربارهٔ ششصد هزار نفسی که پیش‌تر از شکستن اصلاح شده‌اند.

یادداشت کھوت

ראה בארוכה בביאור הצ"צ על פ' ח"ש נדפס לעיל בהוספות. לקו"ש ח"י ע' 119 הערה 29.

13 כי הנה ידוע ע"פ ורוח אלקים מרחפת

این یادداشت به gmaamar از آلتز ربه (ادمو"ר הזקן) دربارهٔ پاراشای **בראשית** ارجاع می‌دهد که آیهٔ «و روح אלקים در حال شناوری بود» را توضیح می‌دهد.

یادداشت کھوت

מאמרי אדה"ז פרשיות בראשית ע' א. וראה מאמרי אדה"א בראשית ע' נו.

14 ורוח אלקים מרחפת

«و روح אלקים بر سطح آب‌ها شناور بود.» آریزال (האר"י) واژهٔ **מרחפת** را به صورت **מת רפ"ח** می‌خواند: «۲۸۸ مردند».

Genesis 1:2 בראשית א':ב'

וְהָאֵרֶץ הָיְתָה תֶּהוֹ וְכֶהוּ וְחָשֶׁךְ עַל־פְּנֵי תְהוֹם וְרוּחַ אֱלֹקִים מְרַחֶפֶת עַל־פְּנֵי הַמַּיִם:

19 וזהו רפ"ח מת כו'

نسخة دستنویس تسماح تسدک (הצמח צדק) می‌خواند: «این مت רפ"ח است» («مُرد، ۲۸۸»). با ترتیبِ حروفِ מרחפת merachefes, «در حال بال‌زدن».

یادداشتِ كهوت

באזה"ת גוכתי"ק הצ"צ: "זהו מת רפ"ח כו". וכ"ה הלשון בלקו"ת משות פב, ד. וכ"ה בע"ח שער רפ"ח ניצוצין פ"א. וראה בהנסמן למאמרי אדה"ז — פרשיות פ' בראשית ע' א.

20 כי הנה ידוע

یادداشت Kehot به جایی ارجاع می‌دهد که این موضوع در آنجا بیشتر توضیح داده شده است: Sefer HaMaamarim 5634.

یادداشتِ كهوت

קטע מכאן מובא בסה"מ תרל"ד ע' קמז.

21

דור הולך ודור בא

«نسلی می‌رود و نسلی می‌آید، و زمین تا ابد پایدار می‌ماند.» آلتِر רִבֵּה (אדמו"ר הזקן) این عبارت را برای نسل‌های بسیاری به کار می‌برد که تاکنون در پالایش جرقه‌ها کوشیده‌اند.

Ecclesiastes 1:4 קהלת א':ד'

דור הלך ודור בא והארץ לעולם עמדת:

One generation passeth away, and another generation cometh; And the earth abideth for ever

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

22 שו"ה ס"ר — ממספר זה

دست‌نویس تسماح تسدک (הצמח צדק) در این‌جا می‌افزاید که حتی در سرزمین لهستان به‌تنهایی بیش از ۶۰٬۰۰۰ یهودی هستند.

یادداشتِ كهوت

באזה"ת שם גוכתי"ק הצ"צ נוסף: שאף במדינת פולין ימצא יותר מס"ר.

23 בגמרא كفر שחללים

گمارا (גמרא) از شهرهایی در سرزمین اسرائیل سخن می‌گوید که جمعیت‌های بسیار زیادی داشتند، از جمله روستای شخلاييم (Shechalayim). آلتِر רִבֵּה آن را نقل می‌کند تا نشان دهد که در روزگار باستان چه شمار بسیاری یهودی زندگی می‌کردند.

Gittin 57a:12 גיטין נ"ז א':י"ב

אלו הן: קפר ביש, קפר שחללים, קפר דכריא. קפר ביש — דלא יקבי ביקא לאושפיזא. קפר שחללים — שקיה פרנסתן מן שחללים. קפר דכריא — אפר רבי יוחנן: שקיה נשותיהן יולדות זכרים תחלה, ויולדות נקבה באחרונה, ופוסקות.

William Davidson, Vocalized Aramaic (CC-BY-NC)

یادداشتِ كهوت

גיטין נז, א.

24 יוסף ה' עליהם

سرايَندۀ مزامير برای اسرائیل دعا می‌کند: «باشد که نام چهارحرفی (ה', Havayah) بر شما بیفزاید؛ بر شما و بر فرزندانتان.» آلتِر רִבֵּה این دعا را هنگامی می‌افزاید که به فزونی یافتن قوم یهود اشاره می‌کند.

Psalms 115:14 תהילים קט"ו:י"ד

יִסֵּף ה' עֲלֵיכֶם וְעַל־בְּנֵיכֶם:

The L-RD increase you more and more, You and your children.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

13

25 מה רבו מעשיך

«چه بسیاری کارهای تو، ה'! همه را با حکمت ساختی.» آلتِر רִבֵּה (אדמו"ר הזקן) عبارت «چه بسیاری» را ناظر به کثرت شکستگی می‌داند و «با حکمت ساختی» را ناظر به اصلاح آن.

Psalms 104:24 תהילים ק"ד:כ"ד

מה רבו מעשיך ה' כלם בַּחֲכָמָה עָשִׂיתָ מְלָאָה הָאָרֶץ חַיִּינָהּ:

How manifold are Thy works, O L-RD! In wisdom hast Thou made them all; The earth is full of Thy creatures

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشتِ كهوت

תהילים קד, כד.

14

26 שו"ה יחד — מפורדים

در دست‌نوشته تسماح تسدک (הצמח צדק)، در اینجا حاشیه‌ای افزوده شده است: «و بنگر آنچه در بالا، در پاراشات ואישלח (וישלח)، دربارهٔ «من فراوان دارم» و «من همه‌چیز دارم» توضیح داده شده است.» این عبارت به بحثی دربارهٔ «من فراوان دارم» عيسو (עשו) در برابر «من همه‌چیز دارم» يعقوب (יעקב) اشاره دارد.

یادداشتِ كهوت

באזה"ת גוכתי"ק נוסף הגה"ה מכ"ק הצ"צ: (ועמש"ל פ' וישלח בענין יש לי רב ויש לי כו' ע"ש). וזהו.

27 ולא יהיו נפרדים

همان ارجاع افزوده‌شده به بحث پاراشات ואישלח (וישלח) دربارهٔ «من فراوان دارم» و «من همه‌چیز دارم». ویراستاران یادآور می‌شوند که این ارجاع به دست‌نوشته‌ای اشاره دارد که در بالا ذکر شد و متنی آن تا وایشو را دربر ندارد.

یادداشتِ كهوت

באזה"ת גוכתי"ק שם נוסף: ועמש"ל פ' וישלח בענין יש לי רב ויש לי כל ע"ש. [כוונה לבוד הנ"ל — וחسر שם עד וישב].

15

28 וזאת תורת האדם . . שיתעלו באחדות ה'

این یادداشت به شرح مفصل‌ترِ میتر רִבֵּה (אדמו"ר האמצעי) دربارهٔ این موضوع در همین پاراشا اشاره می‌کند؛ بحثی موازی دربارهٔ وظيفة انسان در پالودن جرقه‌ها و رساندنشان به یگانگی ה'.

یادداشتِ كهوت

ראה תו"ח פרשתנו סו, א ואילך. לקו"ש ח"י ע' 119.

29 וזאת תורת האדם

داوود (דוד)، در پاسخ به وعده ה' که از طریق ناسان پیامبر (נחן הנביא) به او داده شد، می‌گوید: «و این است تعلیم انسان»؛ آلتِر רִבֵּה (אדמו"ר הזקן) این آیه را چنین قوم می‌خواند که وظيفة انسان، پالودن جرقه‌هاست.

II Samuel 7:19 שמואל ב ז':י"ט

ותקשן עוד זאת בעיניך אדני ה' ותדבר גם אליבית-עבדך למרחוק
וזאת תורת האדם אדני ה'

34 וזהו . . עבודת השבטים

این بخش در واپخی (ויחי) توضیح می‌دهد که باید به نیازهای دنیوی «با پس کردن» پرداخت، نه از صمیم دل؛ و اینکه دستِ ה' انسان را به این وضع فرومی‌آورد تا تاریکی را به نور بدل کند، چنانکه انسان با نیروی غذایی که خورده است نماز می‌خواند. این همان خدمتِ پالایش را نشان می‌دهد که در اینجا به خوردن و نیازهای جسمانی مربوط شده است.

یادداشت کھوت

לקמן מה, ד. קיז, ג מציינן לכאן.

بند 18

35 ענין הברורים

این یادداشت برای بحثی موازی دربارهٔ پالایش‌ها، به شرح می‌تزل ربه (آدمو"ר האמצעי) بر זהר در آغاز Parshas Chukas ارجاع می‌دهد.

یادداشت کھوت

ראה ביאורו"ז לכ"ק אדה"א ר"פ חקת. דרך מצותיך מצות איסור עבודת בעלי מומין. בד"ה ויגש אליו יהודה תשל"ו (בדפס בסה"מ מלוקט ח"ד ע' קיז) דכאן מבאר "שהניצוצות שנתבררו ע"י השבטים הוצרכו להתברר בירור שני ע"י יוסף כי הבירור שע"י השבטים הוא בירור בדרך מלמטה למעלה (בירור דב"ן). دبירור זה הוא רק ביטול היש, ולכן הוצרכו להתברר בירור שני ע"י יוסף, בירור בדרך מלמעלה למטה (בירור דמ"ה). ועי"ז הם (הניצוצות) נכללים באלקות, ומבואר בתו"א [לקמן כח, ג] שכדי שתה"י המשכה דשם מ"ה, הוא ע"י העלאת מ"ן דשם ב"ן, וזהו מ"ש ותשתחוונה אלולמותי, העלאת מ"ן דהשבטים בבחי' ביטול (השתחוואה), שע"י עוררו המשכת שם מ"ה להיות בירור שני" ע"ש בארוכה. ובסה"מ הקצרים: "וזהו מאלמים אלומים כמו קיבוץ שבולת רבים לעשות מהם אגודה א' כו', והעלאת מ"ן של השבטים להעלות ליחודו ית' לא"ס ב"ה הוא צריך שיתעלו דרך מדרגת יוסף לפי שהן מעלמא דנוקבא ויוסף מעלמא דכורא וד"ל".

بند 19

36 מאלמים אלומים מלשון אלם . . בחי' בטול

این یادداشت به بحث‌های موازی دربارهٔ «בסתי خوشه‌ها» به‌منزلهٔ לال بودن و خودنفی‌گری ارجاع می‌دهد؛ بنا بر یادداشت، در p. 94 قطعه‌ای از اینجا نقل شده و به این maamar ارجاع داده شده است.

یادداشت کھوت

בסה"מ תרכ"ז (הוצאת תש"ס) ע' ב. המשך תער"ב ח"ב ע' א'סז. סה"מ תרכ"ז ע' צד מבאי קטע מכאן. ומציינן לכאן.

37 איידי דטריד למיבלע

اصل تلمودی‌ای که می‌گوید گوشتی که مایعی را جذب کرده، آنچه را جذب کرده پس نمی‌دهد، «زیرا سرگرم فروبردن است». تعالیم حسیدی (חסידות, Chassidus) این اصل را دربارهٔ مرتبه‌ای به کار می‌برد که چنان در دریافت فرورفته است که چیزی از خود صادر نمی‌کند.

Chullin 108b حולין ק"ח ב

یادداشت کھوت

ע"פ חולין קח, ב. וכהלשון כאן מובא בדא"ח בכ"מ, ראה לעיל י, ב. לקמן קט, ג. סידור קמ"ג, ב.

38 ועמ"ש ע"פ התוספתא דבשלח

یادداشت، بحثِ مربوط به توسفتאי בשלח («آب‌ها منجمد شدند») را که در متن آمده است مشخص می‌کند؛ این بحث در Biurei HaZohar اثر می‌تزل ربه (آدمو"ר האמצעי) چاپ شده است.

یادداشت کھوت

ביאורו"ז לכ"ק אדה"א מד, א ואילך.

And this was yet a small thing in Thine eyes, O L-rd GOD; but Thou hast spoken also of Thy servant's house for a great while to come; and this too after the manner of great men, O L-rd GOD

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

30 ומי כעמך ישראל גוי אחד בארץ

«و چه کسی مانند قوم تو، اسرائیل، یک ملت بر روی زمین است؟» این آیه بخشی از نمازِ مینحای شبات (מנחה של שבת, Shabbos Minchah) است؛ بند بعدی آن را توضیح می‌دهد.

I Chronicles 17:21 דברי הימים א' י"ז:כ"א

ומי כְּעַמְּךָ יִשְׂרָאֵל גּוֹי אֶחָד בְּאֶרֶץ אֲשֶׁר הָלַךְ הָאֱלֹקִים לְפָדוֹת לוֹ עַם לְשׁוֹם לֹךְ שָׁם גְּדֻלוֹת וְנִרְאֻת לְגִרְשׁ מִפְּנֵי עַמְּךָ אֲשֶׁר־פָּדִיתָ מִמִּצְרַיִם גּוֹיִם:

And who is like Thy people Israel, a nation one in the earth, whom G-d went to redeem unto Himself for a people, to make Thee a name by great and tremendous things, in driving out nations from before Thy people, whom Thou didst redeem out of Egypt

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

بند 16

31 ומי כעמך ישראל גוי אחד בארץ

ارجاعات Kehot برای این کلمات (یادداشتش در پایین آمده است).

یادداشت کھوت

דברי הימים-א יז, כא.

32 ומי כעמך ישראל גוי אחד בארץ

آیه به معنای «یکی» در وجهی فاعلی خوانده می‌شود: اسرائیل زمین را، که پراکنده‌ترین مکان است، با ה' یکی می‌سازد.

I Chronicles 17:21 דברי הימים א' י"ז:כ"א

ומי כְּעַמְּךָ יִשְׂרָאֵל גּוֹי אֶחָד בְּאֶרֶץ אֲשֶׁר הָלַךְ הָאֱלֹקִים לְפָדוֹת לוֹ עַם לְשׁוֹם לֹךְ שָׁם גְּדֻלוֹת וְנִרְאֻת לְגִרְשׁ מִפְּנֵי עַמְּךָ אֲשֶׁר־פָּדִיתָ מִמִּצְרַיִם גּוֹיִם:

And who is like Thy people Israel, a nation one in the earth, whom G-d went to redeem unto Himself for a people, to make Thee a name by great and tremendous things, in driving out nations from before Thy people, whom Thou didst redeem out of Egypt

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

بند 17

33 והנה אנחנו מאלמים אלומים בתוך השדה

نخستین خوابِ یوسف (یوسف): «در میان مزرعه، بافه‌ها را می‌بستیم.» اکنون توضیح داده می‌شود که این خواب به خدمتِ برادران در پالایش جرقه‌ها اشاره دارد.

Genesis 37:7 בראשית ל"ז:ז

וְהֵנָּה אֲנַחְנוּ מְאֻלְמִים אֲלֻמִּים בְּתוֹךְ הַשָּׂדֶה וְהֵנָּה קָמָה אֱלֻמְתִּי וְגַם־נִצְבָּה וְהֵנָּה תִּסְבִּינָה אֲלֻמְתִּיכֶם וְתִשְׁתַּחֲוֶינָ לְאֱלֻמְתִּי:

for, behold, we were binding sheaves in the field, and, lo, my sheaf arose, and also stood upright; and, behold, your 'sheaves came round about, and bowed down to my sheaf

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

39 ועמ"ש בטעם שהמסעות היו מ"ב

این قطعه توضیح می‌دهد که وقتی **ملکوت** از محدودیت خود بالا می‌رود، همه مراتب بالاتر از آن نیز بالا می‌روند؛ این امر از طریق ۴۲ سفر ۶۰۰,۰۰۰ نفس تحقق یافت، حرکتی رو به بالا. این مطلب از نکته متن پشتیبانی می‌کند که سفرها بالا رفتن بودند، درست در نقطه مقابل آشکارگی.

بادداشت كهوت

לקו"ת מסעי פט, ד.

40 שתי רוחות מספרות

داستان مرد پرهیزگاری که در گورستان شنید دو روح با یکدیگر گفتگو می‌کنند. آثر ربه «**ادمۛویر** **هزقۛل**» به این داستان استناد می‌کند تا نشان دهد موجودات روحانی نیز «گفتار» دارند؛ یعنی قدرت ارتباط برقرار کردن با دیگران.

ברכות י"ח ב:ז-ח Berakhot 18b:7-8

וְלֹא? וְהִתְנַחֵם: מַעֲשֵׂה בְחִסְדֵּי אֶחָד שְׁמוֹ דִּינָר לַעֲנִי בְּעָרֵב רֹאשׁ הַשָּׁנָה
בְּשָׁנֵי בַצּוּרָה, וְהִקְנִישְׁתָּ אִשְׁתּוֹ, וְהָלַךְ וְלָךְ בְּבֵית הַקְּבָרוֹת. וְשָׁמַע שְׁמִי
רוּחוֹת שֹׁמְסִקְרוֹת זֶה לְזֶה. אָמְרָה הֵדָא לְתַקְרָתָה: תְּקַרְתִּי, בּוֹאִי וְנִשְׁוֹט
עֲבֻלָּם, וְנִשְׁמַע מֵאֲחֹרֵי הַפֶּרֶד מֵה פּוֹרְעָנוֹת בָּא לַעֲוָלָם? אָמְרָה לָהּ
תְּקַרְתָּה: אֵינִי; כִּוְלָהּ, שְׁאֵנִי הַקְּבֹרָה בְּמַחְצֵלַת שֶׁל קֹהִיִּם. אָלַל לְכִי אֵת, וּמָה
שָׂאתָ שׁוֹמֵמֶת אִמְרִי לִי. הִלְכָה הִיא וְשָׂשָׂה וּבָאָה. וְאָמְרָה לָהּ תְּקַרְתָּה:
חֲבַרְתִּי, מֵה שִׁמְעַת מֵאֲחֹרֵי ...

Do they not [know of the troubles of others]? Lo, there is a teaching : It once happened that a pious man gave a denarius to a beggar on the New Year's eve in a time of drought. His wife upbraided him ; so he went and spent the night in the cemetery. He heard two spirits conversing. One said to the other, "Come, friend, let us wander in the world and hear behind the curtain what visitation is to come upon the world."

... ,The other spirit replied, "I cannot

William Davidson, Vocalized Aramaic (CC-BY-NC) • Tractate Berakot by A.
Cohen, Cambridge University Press, 1921 (Public Domain)

بادداشت كهوت

ברכות יח, ב. באוה"ת שם תתרגם, ב מוסיף: "וכמ"ש במ"א בביאור מ"ש באוצ"ת בענין הצמצום ורשימו רל"א שערים כו". כנראה הכוונה להנדפס בלקו"ת בהוספות לויקרא.

20 ہند

41 רק אוכל ממה שאמו אוכלת

تلمود چنین را در رحم مادرش چنین توصیف می‌کند: «آنچه مادرش می‌خورد، او نیز می‌خورد و آنچه مادرش می‌نوشد، او نیز می‌نوشد.» آلتز ربه (ادمیور הזקן) این را تصویری از وابستگی کامل به سرچشمه خویش قرار می‌دهد.

Niddah 30b:18 נדה ל' ב:י"ח

דָּרָשׁ רַבִּי שְׁמֵלָאִי: לָמָּה תוֹלֵד דּוֹמָה בְּמַעֲמֵי אִמּוֹ — לְכַנֵּסֶנּוּ שְׁמִקְוֹפֶל, וּמוֹמֶנֶחַ יָדָיו עַל שְׁתֵּי גִדְעֵינִי, שְׁתֵּי אֲצִילָיו עַל שְׁתֵּי אֲרָכוֹבוֹתַי, וְשָׁנִי עֲשֶׂקְבִי עַל שְׁתֵּי עֲגוֹבָתָיו, וְרָאִשׁוֹ מוֹנֵחַ לוֹ בֵּין בְּרָכְיוֹ, וּפָיו סָתוּם, וְשִׁבּוּר פְּתוּחַ. וְאוֹכֵל מִמָּה שְׁאִמּוֹ אוֹכֵלָת, וְשׁוֹתָה מִמָּה שְׁאִמּוֹ שׁוֹתָה, וְאִינוֹ מוֹצִיא רַעִי שְׁמָא יִהְרֹג אֶת אִמּוֹ. וְכִינּוֹן שִׁנְצָא לְאוּרֵי הָעוֹלָם — נִפְתָּח הַסָּתוּם. וְנִסְתָּם הַפְתּוּת. שְׁאֵלְמָל כֵּן אִינוֹ יוֹכֵל לַחֲיוֹת אֶפְיָלוֹ שְׁעָה אַחַת.

William Davidson. Vocalized Aramaic (CC-BY-NC)

42 שו"ה אוכלות כו'

دست‌نوشتهٔ تسماح تسدک (הצמח צדק) می‌افزاید: «و او موجودیتی مستقل نیست.»

یادداشت کھوت

באוה"ת מגוכת י"ק הצ"צ נוסף: ואינו מהות בפ"ע.

بند 21

43 רק אוכל ממה שאמו אוכלת

توصیف تلمود از چنین که «آنچه مادرش می‌خورد، او نیز می‌خورد». این توصیف در اینجا دربارهٔ جرقه‌هایی به کار رفته که در فرمانروایی (מלכות, Malchus) به صورت آب‌های مؤنت (מֵיין נוקבִין, mayin nukvin) جذب می‌شوند.

Niddah 30b:18 נדה ל' ב:ר"ח

דָּרַשׁ רַבִּי שְׁמֵאלַי: לָמָּה תוֹלֵד דּוֹמָה בְּמַעֲשֵׂי אָמוֹ — לִפְנֵסֵם שְׁמֻקּוֹפֵל, וּמוֹנֶחַ יָדָיו עַל שְׁתֵּי צַדְעָיו, שְׁתֵּי אֲצִילָיו עַל שְׁתֵּי אֲרֻכּוֹבוֹתָיו, וְשֵׁנִי עֹקְבֵיו עַל שְׁתֵּי עֲגוֹבָתָיו, וְרָאִשׁוֹ מוֹנֵחַ לוֹ בֵּין בְּרַפְּיוֹ, וּפִיו סָתוּם, וְשִׁבּוּר פִּתּוּחַ. וְאוֹכֵל מִמָּה שְׁאָמוֹ אוֹכֵלָת, וְשׁוֹתָה מִמָּה שְׁאָמוֹ שׁוֹתָה, וְאֵינוֹ מוֹצִיא רְעֵי שְׁמָא יִהְרֹג אֶת אָמוֹ. וְכִינּוֹן שֶׁצָּא לְאוֹרֵי הָעוֹלָם — נִפְתַּח הַסָּתוּם, וְנִסְתַּם הַפִּתּוּחַ. שְׁאֵלֵמָל כֵּן אֵינוֹ יוֹכֵל לַחֲיוֹת אֶפְּלוֹ שְׂעָה אַחַת.

William Davidson. Vocalized Aramaic (CC-BY-NC)

22 ہند

44 עבור שני לאחר הלידה כמ"ש בע"ח

ارجاعات Kehot برای این کلمات (یادداشتش در پایین آمده است).

یادداشت که ت

שער העיבור פ"א.

45 כענין י"ב בקר שהיו בים של שלמה

آتیا آلتر ربه (אדמו"ר הוקד) توضیح می‌دهد که قبایل از عالم صدورند، آن‌گونه که در عالم آفرینش می‌تابد؛ آنان «ارابه فروتر» هستند. چنان‌که ز **הר** در دربارهٔ دوازده گاو و دریایی که بر آن‌ها قرار دارد می‌گوید: فرمانروایی عالم صدور، دریای برتر، بر آن‌ها سوار است و آنان همان چهار درفش‌اند. اما یوسف از خود عالم صدور، دور می‌آید (יְסוּף، Yesod)، یعنی «ارابه برتر».

یادداشتِ کهوت

ראה לקמו קמ. א.

46 שו"ה לו — מא"ס ב"ה

اور هاتورا (اور התורה) نمونه دیگری از «لال‌بودن» می‌افزاید: **موشه** («مשה») در گفتار سنگین‌زبان، بود، زیرا در حالت خونی‌گری («ما چه هستیم؟») قرار داشت و از این‌رو نمی‌توانست «چیژی» باشد که ببخشد. به همین ترتیب، سخن‌گفتار توware در شبات (Shabbos) فقط با دشواری مجاز بود، زیرا خونی‌گری بالاتر از بخشیدن است.

یادداشت کیهوت

בבואה"ת שם נוסף: (וגם דמיון לבחי' אלמים הנ"ל הוא מ"ש במ"א בענין שהי' משה כבד פה לפי שהי' בבחי' ביטול ונחנו מ"ה לא יכול להיו' יש להשפיע וכעין זה ה"ע בקושי התירו לדבר דברי תורה בשבת מצד הביטול שלמעלה מהשפעה).

23 ہند

47 בחכמה דוקא אתברירו

این بخش در **חיי שרה** (חיי שרה) توضیح می‌دهد که پالایشی جز در عالم **Atzilus**، یعنی **Chochma** کل نظام، وجود ندارد؛ «و به واسطهٔ

Chochmah پالایش می‌شوند». پالایش از طریق پیوند (זיווג, zivug) صورت می‌گیرد، و جان‌های صالحان (צדיקים, tzaddikim) آب‌های مؤنت را تا فرمانروایی عالم Atzilus بالا می‌برند. این توضیح، سرچشمه و معنای عبارتی را که اینجا نقل شده روشن می‌کند.

یادداشت کھوت

נסמן לעיל טז, ד.

بند 25

48 ר"ע שיצתה נשמתו באחד

تلمود نقل می‌کند که هنگامی که ربی عقیوا (רבי עקיבא) را اعدام می‌کردند، او شماع (שמע, Shema; «بشنو») را می‌خواند و واژه «یکی» را آن‌قدر می‌کشید تا جانش همراه آن از تنش جدا شد. آلتز ربه (ادمو"ר, הזקן) این واقعه را اوج فداکاری تا پای جان (مסירות נפש, mesirus nefesh) انسان می‌داند.

Brakhot 61b:9 ברכות ס"א ב:ט'

בשעה שהוציאו את רבי עקיבא להריגה זמן קריאת שמע היה, והיו סורקים את בשרו במסרקות של ברזל, והיה מקבל עליו עול מלכות שמים. אמרו לו תלמידיו: רבינו, עד כאן? אמר להם: כל ימי הייתי מצטער על פסוק זה "בכל נפשך" אפילו נוטל את נשמתך. אמרתי: מתי יבא לידי ואקימוני, ועכשיו שבא לידי, לא אקימוני? היה מאריך ב"אחד", עד שיצתה נשמתו ב"אחד". יצתה בת קול ואמרה: "אשריה רבי עקיבא שיצאה נשמתו באחד".

When they brought R. 'Akiba out to execution, it was the time for reading the Shema'; and though they were combing his flesh with iron combs, he kept receiving upon himself the yoke of the Kingdom of Heaven. His disciples said to him, "Our master, thus far!" He answered them, "Throughout my life I have been troubled about this verse, '[And thou shalt love the L-rd thy G-d...]' and with all thy soul' which means : ... Even if He take thy life. For said I, 'When will it be

William Davidson, Vocalized Aramaic (CC-BY-NC) • Tractate Berakot by A. Cohen, Cambridge University Press, 1921 (Public Domain)

یادداشت کھوت

ברכות סא, ב. וראה לקושי שיחות ח"ו ע' 126 הערה 35.

49 למוהי אב"א

زهر (זהר), در ترومه و در بخشی که شب جمعه خوانده می‌شود، از پیوستن حضور الهی (שכינה, Shechinah) در بالا سخن می‌گوید، «تا در یکی، یکی باشد». آلتز ربه آن را چنین می‌خواند که یگانگی فروتر (יחודה, תתאה, yichuda tata'ah) در یگانگی برتر (יחודה, עילאה, yichuda ila'ah) گنجانده شده است.

Zohar II, 135a זח"ב קלה, א

یادداشت کھوت

זח"ב קלה, א.

بند 26

50 ונהר יצא מעדן להשקות את הגן

روبی که از عدن جاری می‌شود و باغ را آبیاری می‌کند، و پیش‌تر در این مامار (maamar) به‌عنوان جریان حکمت (חכמה, Chochmah) به‌سوی فرمانروایی (ملכות, Malchus) در عالم صدور (אצילות, Atzilus)

خوانده شده بود، اکنون با فرودآوردن نور بی‌پایان (اور אין סוף, Or Ein Sof) به‌دست یوسف (یوسف) یکی دانسته می‌شود.

Genesis 2:10 בראשית ב':י'

וְנָהָר יֵצֵא מֵעֵדֶן לְהַשְׁקוֹת אֶת־הַגֶּן וּמִשָּׁם יִפְרָד וְהָיָה לְאַרְבָּעָה רָאשִׁים:

And a river went out of Eden to water the garden; and from thence it was parted, and became four heads

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

بند 28

51 ששרשו משם מ"ה דאצי' שהוא בחי' המ"ד

این یادداشت می‌گوید که اور התורה (اور התורה) دربارهٔ שמות این بخش را دربارهٔ ریشهٔ یوسف در نام م"ה در اצילות نقل می‌کند.

یادداشت کھوت

אור"ת שמות ע' יד מצייין לכאן.

52 והנה קמה אלומתי

«و اینک، بافهٔ من برخاست و نیز برپا ایستاد.» این عبارت به نیروی افزودۀ یوسف (یوسف) اشاره دارد؛ نیرویی که از ریشهٔ او در نام م"ה (Mah) سرچشمه می‌گیرد تا پالایش دوم را به انجام رساند.

Genesis 37:7 בראשית ל"ז:ז

והנה אנחנו מקלמים אלמים בתוך השדה והנה קמה אלמתי וגם־נצבכה והנה תסבינה אלמתיכם ותשתחווין לאלמתי:

for, behold, we were binding sheaves in the field, and, lo, my sheaf arose, and also stood upright; and, behold, your sheaves came round about, and bowed down to my sheaf

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

بند 29

53 תסבנה אלומתיכם ותשתחווין לאלומתי

«دسته‌های گندم شما گرداگرد دستهٔ گندم من آمدند و در برابر دستهٔ گندم من تعظیم کردند.» این سخن چنین خوانده می‌شود که מ"ן (mayin) dukvin: آب‌های مؤنت) قبایل به‌واسطهٔ מ"ד (mayin duchrin: آب‌های مذکی) یوسف (یوسف) کامل می‌شود.

Genesis 37:7 בראשית ל"ז:ז

והנה אנחנו מקלמים אלמים בתוך השדה והנה קמה אלמתי וגם־נצבכה והנה תסבינה אלמתיכם ותשתחווין לאלמתי:

for, behold, we were binding sheaves in the field, and, lo, my sheaf arose, and also stood upright; and, behold, your sheaves came round about, and bowed down to my sheaf

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

54 ע"פ ואלה שמות

در آنجا این دو پالایش توضیح داده شده‌اند: بذر مادر از پیش پالوده شده است، اما کودک تنها پس از پالایش دومی به‌دست پدر شکل می‌گیرد؛ ازاین‌رو، احکام میشنا (משנה, Mishnah), پالایش‌هایی «از طریق حکمت (חכמה, Chochmah), هستند، و احکام عالمان دورۀ משنایی (תנאים, Tannaim) الوهیت واقعی‌اند که پس از پالایش دوم نام م"ה (Mah) به پایین کشیده می‌شود؛ همان نامی که ב"ן (Ban) را پالایش می‌کند.

یادداشت کھوت

ראה לקמן מט, א. באור"ת בראשית כרך 1 תתרפד, א במקום מראה מקום זה נמצא "ע"פ הזהר וישב דקס"א אך אל הפרוכת כו' ובשאר דוכתי".

55 החלום השני השמש והירח כו' משתחווים לי

«خورشید و ماه و یازده ستاره به من سجده می‌کردند.» یوسف (یوسف) در رؤیای دومش چنین دید. یعقوب (יעקوب) فهمید که خورشید خود اوست.

Genesis 37:9 בראשית ל"ז:ט'

וַיִּחְלֹם עוֹד חֲלוֹם אַחֵר וַיְסַפֵּר אֹתוֹ לְאָחִיו וַיֹּאמֶר הִנֵּה חֲלֹמֹתִי חֲלוֹם עוֹד וְהִנֵּה הַשָּׁמֶשׁ וְהַיָּרֵחַ וְאַחַד עָשָׂר כּוֹכָבִים מִשְׁתַּחֲוִים לִי:

And he dreamed yet another dream, and told it to his brethren, and said: 'Behold, I have dreamed yet a dream: and, behold, the sun and the moon and eleven stars bowed 'down to me

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

56 ואביו שמר

«برادرانش به او حسادت می‌ورزیدند، اما پدرش این موضوع را در خاطر نگاه داشت.» این نشان می‌دهد که رؤیای دوم دربارهٔ یعقوب (יעקوب) بود.

Genesis 37:11 בראשית ל"ז:יא'

וַיִּקְנְאוּ-בּוֹ אָחִיו וְאָבִיו שָׁמַר אֶת-הַדְּבָר:

And his brethren envied him; but his father kept the saying . in mind

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

יادداشت كهوت

בראשית לז, יא.

57 השתחווואה כוללת ב' בחי'

در آن maamar, خم‌شدن‌های نماز عمیده در هنگام گفتن «مبارک» چنین توضیح داده می‌شود: خم‌کردن سر است و این کار حکمت والا (חכמה, Chochmah) را به پایین می‌کشان؛ خم‌شدن هم فرودآوردن است و هم تسلیم.

يادداشت كهوت

ראה לקמן בד"ה יביאו לבוש מלכות, צא, א. ובארה"ת פ' תרומה ד"ה ועשו לי מקדש ע' איתכח. סה"מ תרל"ב ע' עד.

58 וצבא השמים לך משתחווים

ارجاعات Kehot برای این کلمات (یادداشتش در پایین آمده است).

يادداشت كهوت

נחמ"י טו, ו.

59 וצבא השמים לך משתחווים

«و سپاه آسمان در برابر تو سجده می‌کنند.» آلتز ربه (ادمو"ר הזקן) از آن برای بیان سجده به‌مثابهٔ خودنهی‌گری (ביטול, bittul) بهره می‌گیرد.

Nehemiah 9:6 נחמיה ט':ו'

אַתָּה-הוּא ה' לְבַדָּךְ אַתָּה עֲשִׂיתָ אֶת־הַשָּׁמַיִם שָׁמַיִם הַשָּׁמַיִם וְכָל־עֲבָאָם הָאָרֶץ וְכָל־אֲשֶׁר עָלֶיהָ הַיָּמִים וְכָל־אֲשֶׁר בָּהֶם וְאַתָּה מַחֲיָה אֶת־כָּל־וְצֶבֶא הַשָּׁמַיִם לְךָ מִשְׁתַּחֲוִים:

Thou art the L-RD, even Thou alone; Thou hast made heaven, the heaven of heavens, with all their host, the earth and all things that are thereon, the seas and all that is in them, and Thou preservest them all; and the host of heaven wor-

shippeth Thee

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

60 ברוך בבחי' אתה כמבואר בפע"ח

ارجاعات Kehot برای این کلمات (یادداشتش در پایین آمده است).

يادداشت كهوت

ראה שער העמידה.

61 לית ברכתא שריא באתר ריקניא

اصل زوهار (זהר) مبنی بر اینکه برکت در جای خالی قرار نمی‌گیرد؛ باید ظرفی باشد تا آن را دریافت کند. آلتز ربه (ادمو"ר הזקן) از این اصل بهره می‌گیرد تا نشان دهد که آب‌های مؤنت (מים נוקבין, mayin nukvin) باید بالا روند، پیش از آنکه آب‌های مذکر (מים זכורין, mayin duchrin) فرود آیند.

Zohar II, 155a זח"ב קנה, א

Zohar III, 34a זח"ג لد, א

يادداشت كهوت

זח"ב קנה, א. קנז, ב. זח"ג لد, א.

62 שאין קישוי אלא לדעת

بیانی تلمودی که می‌گوید برانگیختگی مردانه به قصد آگاهانه نیاز دارد. این بیان در اینجا تمثیلی است برای برانگیختگی از پایین (אתערותא דלתתא, isarus dilesata) که جریان از بالا را فرا می‌خواند.

Yevamot 53b:11-13 יבמות נ"ג ב:י"א-י"ג

לֹא מִיִּבְעָנָא קְאָמֵר. לֹא מִיִּבְעָנָא הוּא שׁוֹגֵג וְהִיא קִמְפוּנָה לְמַצְוָה, אִי נָמִי הוּא מְזִיד וְהִיא קִמְפוּנָה לְמַצְוָה, אֶלָּא אֶפִּילוּ הוּא שׁוֹגֵג וְהִיא מְזִידָה, דְּתַרְוִיחָה לֹא קִמְפוּנָה לְשֵׁם מַצְוָה — אֶפִּילוּ הָכִי קֵנָה. תְּנִי רַבִּי חֲזִיָּא: אֶפִּילוּ שְׁנֵיהֶם שׁוֹגְגִים, שְׁנֵיהֶם מְזִידִים, שְׁנֵיהֶם אֲנוּסִים. אָנוּס דְּמַתְּנִיתִין הִכִּי דְמִי? אִילִימָא קְשָׁאֲנוּסוּהוּ גּוֹיִם וְכָא עָלֶיהָ, וְהָאֵמֵר רַבָּא: אִין אָנוּס לְעָוָה! לְפִי שְׁאִין קִישׁוּי אֶלָּא לְדַעַת. אֶלָּא בִּישׁוּ. וְהָאֵמֵר רַב יְהוּדָה:

William Davidson, Vocalized Aramaic (CC-BY-NC)

63 ששם עלו שבטים שבטי י"ה

«آنجا قبایل برآمدند، قبایل ה'». کابالا عبارت «قبایل ה'» را به دوازده حدّ از صفات عاطفی (ז"א / זעיר אנפין, Z'eir Anpin) تعبیر می‌کند که از پدر و مادر (אבא ואמא, Abba v'Imma) امتداد یافته‌اند.

Psalms 122:4 תהילים קכ"ב:ד'

שָׁשֶׁם עָלוּ שְׁבִטִים שְׁבִטֵי־קָה עֲדוֹת לְיִשְׂרָאֵל לְהוֹדוֹת לְשֵׁם ה'

Whither the tribes went up, even the tribes of the L-RD, as a testimony unto Israel, to give thanks unto the name of the L-RD

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

يادداشت كهوت

תהלים קכב, ד.

64 שיש בחי' י"ב גבולי אלכסון

این بخش می‌گوید که اگرچه خود اسباط در عالم آفرینش (בריאها, Beriah) هستند، ریشهٔ آن‌ها دوازده مرزِ مرزِ صفات عاطفی در عالم صدور است و به‌صراحت به همین گفتارِ حسیدی (مאמר, maamar)

استناد می‌کند. شکافته‌شدن دریا به دوازده راه، صعود دوازده اسباط عالم آفرینش به آن دوازده مرز بود.
یادداشت کھوت
בלקו"ת צו יז, א. שמע"צ פ, ד מציי"ן לכאן.

35 بند

65 שו"ה ששרשם

قرائتی دیگر: در دست‌نویس آمده است «ريشة ريشة آنان» و گفته شده که قبایل «به پایین، به عالم آفرینش، فرود آورده شدند».
یادداشت کھوت
באוה"ת מגוכתי"ק הצ"צ נ': שרש שרשם . אבל הם נשפלו למטה בבריאה.

66 והנה תסבינה אלומותיכם

«و اینک، بافه‌های شما گرداگرد می‌چرخیدند.» این گفتار (ماמר, maamar) با بازگشت به خواب پایان می‌یابد: برادران برای به‌پایان‌رساندن کارشان به یوسف (یوسف) نیاز دارند.

Genesis 37:7 בראשית ל"ז:ז

והנה אנחנו מאלמים אלמים בתוך השדה והנה קמה אלמתי וגם-נצבכה והנה תסבינה אלמתיכם ותשתחווין לאלמתי:

for, behold, we were binding sheaves in the field, and, lo, my sheaf arose, and also stood upright; and, behold, your 'sheaves came round about, and bowed down to my sheaf
Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

67 אלומותיכם כו' כנ"ל

اور هاتورا (اور התורה) در اینجا خلاصه‌ای از کل گفتار دارد و سپس مطالبی را از گفتار «VaAni Nasati Lecha Shechem Echad» از ויחי 5563 نقل می‌کند. این خلاصه استدلال را بازگو می‌کند: شکستن به‌مثابه گسستگی، پالایش نخست قبایل از راه بستن بافه‌ها، پالایش دوم یوسف، دو جنبه سر فرود آوردن و اشتباه برادران درباره ریشه‌شان.

یادداشت کھوت

באוה"ת שם נמצא קיצור ואח"כ מעתיק מד"ה ואני נתתי לך שכם אחד מפ' ויחי תקס"ג ע"ש. הקיצור. השבה"כ ענין בחי' פירוד ופירור הכלי לחלקי' רבים ועי"ז מסתלק האור וההשכלה, ושכירה זו הי' בנשמו' וניצוצו' לכן כל מה שירדו למטה נעשה הרבוי יותר. ועבודתינו לברר ולהעלות מטורי דפרודא לבחי' אחדו' גוי אחד בארץ, וזהו מאלמי' אלומי'ן, מהרבה שבולי' נעשה אלומה א', גם לי' אדם מצד הביטול כו'. וכי"ז הוא העלא' מי"ן ביטול היש ועדיין צריך בירור שני ע"י מ"ד לשיתתפך לאלקו' ממש וזה הי' עבודת יוסף וזהו והנה קמה אלומותי כו' וענין ותשתחווין כי השתחוא' ביטול וגם עי"ז המשכה מאוא"ס להתלבש במ"ד דיוסף, והשתחוא' דיעקב המשכה לבד. ומה שהשבטי' שנאו אותו לפי שסברו ששרשם ג"כ מי"ב ג"א דז"א א"כ כמוהו כמוהם וא"צ לו בשביל המ"ד ג"כ אבל האמת שהם י"ב בקר דבריא' והוא מיסוד ז"א וזה הי' החלומות כנ"ל.



درباره این نسخه

.the notes و .our explanations ,the English translation ,This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

.Our explanations, with the overview, the questions and the page for children: CC BY-NC 4.0

The notes: Kehot's marei mekomos ("Sources and References", including the Rebbe's notes) © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted; our notes on them: CC BY-NC 4.0.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA); The Holy Scriptures: A New Translation (JPS 1917) از طریق سفاریا: (Public Domain); Sefer Etz Chaim (Public Domain); William Davidson Edition - Vocalized Aramaic (CC-BY-NC); Tractate .Berakot by A. Cohen, Cambridge University Press, 1921 (Public Domain)

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: -likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانه لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از 2/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeishev/

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، רב لیوی ییتسخاک